

اینبار هم مردم سرنگونی را انتخاب کردند

در مورد دور دوم انتخابات رژیم، صفحه ۴



حکومتی که قامتش شکسته تر میشود - مهران محبی صفحه ۵

گزارشی خواندنی از یک کارگر تعمیراتی ارکان ثالث از سیرک انتخاباتی حکومت صفحه ۸

مسعود پزشکیان: اگر رهبری نبود نام من از صندوق بیرون نمی آمد!

حسن صالحی، صفحه ۸

جنون اعدام و کشتن برای جمهوری اسلامی زمان نمی شناسد

مهران محبی، صفحه ۶

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد در چندین شهر

شریفه محمدی آزاد باید گردد، صفحه ۱۰

اعتصاب کارگران ارکان ثالث و ادامه اعتصاب کارگران پروژه ای در ۱۲۰ شرکت، صفحه ۱۱

۱۲ تیر: تجمع بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی در کرمانشاه و چند خریدیگر صفحه ۱۱

۱۱ تیر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چندین شهر

فراخوان بازنشستگان در کرمانشاه به تجمع مشترک، صفحه ۱۱

مدیای اجتماعی

مادر شریفه محمدی: هفت ماه است دخترم را گرفته اند، صفحه ۱۵

بیانیه های اعتراضی به حکم وحشیانه اعدام علیه شریفه محمدی

کمپین بری آزادی کارگران زندانی، شریفه محمدی کارگر زندانی به اعدام محکوم شد، صفحه ۱۳

تشکل انقلاب زنانه: حکم اعدام شریفه محمدی محکوم است، صفحه ۱۳

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران: اتهام بغی و صدور احکام اعدام برای زندانیان

سیاسی؛ صدور حکم اعدام برای #شریفه_محمدی، صفحه ۱۴

سندیکای شرکت واحد: سناریو سازی برای کارگر بازداشت شده شریفه محمدی و اتهام واهی

«بغی» علیه او را بشدت محکوم میکنیم. صفحه ۱۶

بیانیه مشترک چهار تشکل کارگری، صفحه ۱۵

دیگر بیانیه های حمایتی صفحه ۱۶

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۳۹

۱۸ تیر ۱۴۰۳

۸ ژوئیه ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

نه بزرگ مردم در تداوم
انقلاب

یاشار سهندی، صفحه ۳

شریفه محمدی باید آزاد

شود

شهلا دانشفر، صفحه ۲

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۹

کارگران در هفته ای که

گذشت

تنظیم کننده: کارگر

کمونیست، صفحه ۷

بیانیه هفت نهاد کارگری و

اجتماعی

احکام قرون وسطایی بغی و

اعدام، حکمی علیه انقلاب بزرگ

#زن_زندگی_آزادی است

صفحه ۱۴

شورای بازنشستگان

ایران: ما و "انتخاباتی"

دیگر!!، صفحه ۱۴

شریفه باید فوراً آزاد شود!

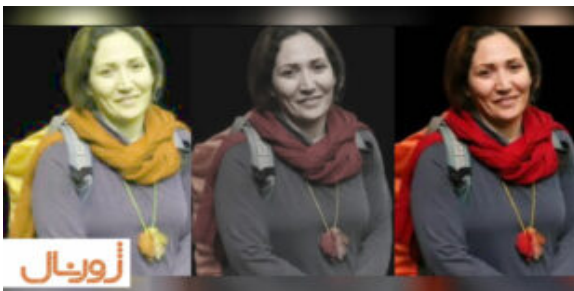


کمونیست کارگری ایران
۱۵ تیرماه ۱۴۰۳، ۵ جولای ۲۰۲۴

روز پنجشنبه ۱۴ تیر قاتلان حاکم شریفه محمدی را در بیدادگاه حکومت در رشت به اتهام "بغی" محاکمه و به اعدام محکوم کردند. شریفه هفت ماه قبل روز ۱۴ آذر ۱۴۰۲ دستگیر شد و چند ماه در انفرادی تحت شکنجه جسمی و روحی شدیدی قرار گرفت. اتهام او عضویت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری قید شده و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی این تشکل را وابسته به کومه‌له اعلام کرده‌اند و بر این اساس به او حکم اعدام داده‌اند.

رژیم علیه این فعال کارگری و اجتماعی پاپوش‌دوزی کرده و پس از شکنجه‌های وحشیانه او را به اعدام محکوم کرده است. جنایتکاران حاکم تصور میکنند که فضای مبارزاتی در جامعه بویژه بدنبالشکست مفتضحانه حکومت در نمایش انتخاباتی را می‌تواند با چنین احکام وحشیانه‌ای به عقب برانند. اما مردمی که رای قاطع خودشان را به سرنگونی اعلام کرده‌اند، این حکم را نیز به تشدید مبارزه علیه قاتلان تبدیل می‌کنند.

کارزاری برای آزادی شریفه محمدی به راه افتاده است. حزب کمونیست کارگری از این کارزار دفاع میکند و همه فعالین و مردم آزاده را به حمایت از آن فرامیخواند. عضویت در یک تشکل کارگری و در احزاب و سازمان‌های سیاسی جرم نیست. حق بی‌چون و چرای همه مردم است. با تمام قوا به دفاع از شریفه برخیزیم و او را از چنگ جانیان حاکم نجات دهیم. حکم اعدام شریفه باید لغو شود و فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.



شریفه محمدی باید آزاد شود - شهلا دانشفر

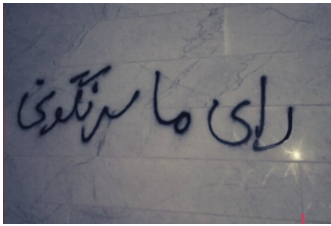
شریفه محمدی فعال کارگری محبوس در زندان لاکان رشت، به اعدام محکوم شد. این حکم جنایت‌کارانه تعرضی به انقلاب و تداوم فریاد آزادیخواهی مردم است. متحد و سراسری علیه آن بایستیم. به نجات جان شریفه بشتابیم. او باید فوراً آزاد شود.

شریفه محمدی ۱۴ آذر ۱۴۰۲ دستگیر و چند ماهی در سلول انفرادی برای گرفتن اعتراف اجباری زیر شکنجه جسمی و روحی شدید قرار گرفت. سرانجام جمهوری اسلامی مثل همیشه با سناریویی پوچ و مهندسی شده چنین حکم وحشیانه‌ای صادر کرد و او را به اتهام "بغی" به اتهام عضویت در یکی از گروه‌های اپوزیسیون محکوم به اعدام کرده است. این اقدام گستاخانه جمهوری اسلامی تعرض آشکار به حقوق پایه‌ای جامعه، حق تشکل و حق تحزب است. با چنین پرونده‌سازی‌هایی جمهوری اسلامی می‌کوشد راه را بر تعرضات گسترده‌تر به مبارزات ما کارگران، معلمان، بازنشستگان، فعالین انقلاب زن، زندگی آزادی و به کل جامعه باز کند. متحد و قدرتمند در برابر حکومت ضدانسانی جمهوری اسلامی بایستیم و با فریاد تشکل، تحزب حق مسلم ماست، نه به زندان، نه به اعدام از انقلاب و دستاوردهایمان دفاع کنیم.

تا همین جا ما توانستیم با اتحاد مبارزاتی مان و فریاد "توماج یک ملت، توماج را آزاد کنید" لغو حکم اعدام توماج را بر حکومت اعدام و سرکوب تحمیل کنیم. امروز نیز می‌توانیم با اعتراضات گسترده و با فریاد "شریفه را آزاد کنید" حکم اعدام شریفه را

باطل و صدور چنین احکامی را برای حکومت بسیار گران تمام کنیم. یک موضوع سخنرانی امروز، یکشنبه ۱۷ تیر بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش محکومیت حکم اعدام شریفه محمدی و تأکید بر آزادی او و همه زندانیان سیاسی و حق تشکل بود. این را به الگوی سراسری اعتراضاتمان در کل جامعه تبدیل کنیم. تا اکنون نهادهای مختلف مردمی در بیانیه‌هایشان حکم اعدام شریفه محمدی را محکوم و بر لغو مجازات اعدام تأکید کرده‌اند. از درون زندان‌ها صدای این اعتراض بلند شده است. امروز جنبش علیه اعدام، با گفتمان اعدام قتل حکومتی است به جنبشی قدرتمند تبدیل شده است. اتحاد بازنشستگان در بیانیه خود می‌نویسد: "هیچ اعدامی مشروع نیست و هیچ «جرمی» (به صدور حکم اعدام برای هیچ‌کس مشروعیت نمی‌بخشد. اعدام قتلی فجیع از سوی قدرت دولتی است. "با قدرت این جنبش و با قدرت اتحاد سراسری مبارزاتی خود حکومت اسلامی را عقب برانیم.

اعدام قتل عمد دولتی است



فرمودند: "دین امر به عدالت کرده، اما آدمیان باید با فلسفه سیاسی زمانه شان آن را زمینی سازند." در دنیای واقعی به "امر اولیایی خدا در روی زمین و به مدد بازویی توانمند" اشخاص از جنس اکبر گنجی، امر دین در اجرای عدالت را تجربه کردیم که معنایی ندارد جز گسترش فقر و سرکوب.

اکبر گنجی ها یکبار با "شمشیر عدالت علی" توانستند یک انقلاب را به خاک و خون بکشند؛ اینبار دست به دامن میلتون فریدمن و فیلسوفان برجسته سیاسی و اقتصاددان شده اند و با جلو راندن یکی مانند پزشکین نیت کردند که جلوی انقلابی دیگر را بگیرند، آنهم با حکومتی که به حال زار افتاده است. اینجا باید تاکید کنیم اشاره ما به آخرین نوشته اکبر گنجی نه بدین خاطر است که شخص ایشان از جایگاه مهمی در سطح جامعه و در تحولات جاری برخوردار است، بلکه نوشته آخر او، نمونه وار انعکاس تلاش بخشی از حاکمیت اسلامی و ایضا اپوزیسیون راست است که فکر میکنند می توانند جلوی انقلاب عظیمی را بگیرند.

ایشان مدعی است: "میلتون فریدمن ... «پیامبر نئولیبرالیسم ...» (در آخرین گفتارش در سال ۲۰۰۶ به شدت به تبعیض های اقتصادی آمریکا و آموزش پرورش اش و سطح پایین آن و بی سوادی گسترده اش و عدم دسترسی میلیون ها آمریکایی به نظام بهداشت، تاخت و برای درمان آنها گفت باید دولت به همه شهروندان نیازمند برای تأمین اینگونه امور یارانه دهد. منتهی برای اینکه با نئولیبرالیسم تعارض نیابد، دولت نباید خودش در این زمینه ها وارد عمل شود، بلکه باید به آنها کوپن دهد تا خودشان در این زمینه ها استفاده کنند و نظم خودانگیخته بازار به هم نریزد. به روایت ایشان "برخی از اعضای ستاد پزشکین به جد و آشکارا از نئولیبرالیسم دفاع می کنند ..."، و هشدار داده است: "اگر پزشکین این مدعی (نئولیبرالیسم) را بپذیرد و در دولتش محقق سازد، هیچ جایی برای عدالت و برابری و رفع تبعیض وجود نخواهد داشت."

یکی از چیزهای که جمهوری اسلامی را برای بورژوازی خواستی کرده است این است که در متن یک سرمایه داری دزد سالار مذهبی توانسته است شمار و حشیشانه و بی نهایت خشنی را بر طبقه کارگر ایران تحمیل کند. این حکومت توصیه های همه "فیلسوفان برجسته سیاسی و اقتصاددان" و ارگانهای بین المللی سرمایه داری مانند صندوق بین المللی پول را با توسل به شلاق اسلام و شمشیر خون چکان آن به اجرا در آورده است. اما با همه خشونت بی حد و حصری که این حکومت بکار برده، و با اتکا به کشتارهای وسیع توانسته است خطر انقلاب را از سر بورژوازی کم کند، بلکه اکنون وجود و حضور انقلابی عظیم تر، بورژوازی را تهدید میکند.

طبقه کارگر به سوی فقر مطلق رانده شده است اما بواسطه دوام و قوام و گسترش گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری و نیز کمونیسم متحزبی که به اندازه عمر خود جمهوری اسلامی به مصاف ایده ها و اندیشه های بورژوازی در اشکال مختلف رفته است و توانسته است کمونیسم مارکسی را تحت عنوان کمونیسم کارگری احیا کند و نیز مبارزه روزمره کارگران و بخشهای مختلف جامعه که به حق و درست سر هر موضعی از حکومت طلبکار میشوند، جنبش عظیمی در بطن جامعه شکل گرفته است که خلاصه نمی شود در "خواسته های مدنی" مانند برقرار بودن تشکلهای غیر دولتی نیکوکاری، بلکه نفس زندگی و کل آزادی و برابری را هدف خودش قرار داده است. جنبشی که کف خیابان را بهترین مکان برای رسیدن به حق خود میداند، نه کرویدروهای پارلمانی که در خواسته های مدنی مطرح است؛ و در همین کف خیابان بازنشستگان که ظاهراً به دنبال مطالبه کاملاً معیشتی - همسان سازی - هستند

نه بزرگ مردم در تداوم انقلاب

یاشار سهندی

نمایش وقاحت به پایان رسید. پزشکین که در "کارنامه پربارش" سازماندهی جنایت علیه زنان و دانشجویان، اولین گامهای او در راه "طی کردن مدارج ترقی" در جمهوری اسلامی بوده است، همانا اثبات این است که در کشتن افراد تردید به خود راه نمی دهد و در کشتن آزادی شک ندارد و این راهی است که با سرفرازی طی کرده است. او بلافاصله بعد از بیرون آمدن از صندوق مکر و حيله، در کلام به عرض آقا رساند که دست بوس است تا بعداً حضوراً تبرک بوسیدن دست نماینده خدا به روی زمین را به جای آورد. ایشان اظهار داشتند اگر اراده ولی فقیه نبود ایشان الان ریاست جمهوری حکومتی تبهکار را بر عهده نداشت. از تو به یک اشاره، از ما به سر دوییدن! پزشکین برای عرض ارادت کامل و بی چون و چرای خود، چون بی خبر از "آقا" کنفرانس خبری گذاشته بود، بلافاصله کنفرانس خبری را لغو کرد که "آقا خوشش بیاید"، همانگونه که نتایج آرا را به گونه ای تنظیم کردند که آقا خرسند و مشغوف شود. هر چند هم آقا میدانند و هم همه کاربدستان جنایت که آنچه در هشتم و پانزدهم تیر نصیب شان شد، یک نه محکم و بزرگ در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی بود.

و چه درست گفته اند که اصلاح طلبان حکومت اسلامی "استمرار طلب" هستند. بطور نمونه احمد زیدآبادی، که خودش را تو این مدت از ته پیراهن بیرون کرد که به عبث ثابت کند "فرق میکند کی رئیس جمهور شود!". او با این کار تلاش کرد تا شاید تئور انتخابات گرم شود و جمعیتی پای صندوق جمع شوند، و نظام سرکوبگر که ایشان بخاطر وجود آن، اسمی و رسمی در سرکوبگری برای خود دست و پا کرده، استمرار یابد. زیبا کلام با حمید نوری در یک قاب قرار گرفت تا ادعایش را ثابت کرده باشد که برای حفظ جمهوری اسلامی اسلحه بدست خواهد گرفت. زیدآبادی که مدعی بود فرق میکند چه کسی رئیس جمهور است بلافاصله بعد از بیرون کشیدن پزشکین از صندوق دغل کاری نوشت: "بدون کمک و حمایت رهبری، محسنی اژه‌ای، محمدباقر قالیباف و سردار باقری و رفتار بسیار هوشمندانه، مسئولانه و مدبرانه ما ایرانیان (شما بخوانید باندهای مخوف جنایتکار حاکم) دکتر پزشکین نمی تواند گام از گام بردارد." همچنین اعجوبه های که در مکر و فریب از خود خدا هم پیشی گرفته اند، از قول خدا فرمودند: "وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ" - خدا از همه بهتر تواند مکر کرد-؛ بیرون آمدند دکتر از صندوق راه، فقط کار خدا دانستند، "همه پنداری طبق نقشه او کار کردند!" در یک چیز اصلاح طلبان صادق هستند، آرزوی برگشت به "دوران طلایی امام" و خدای دهه 60، که دستش از آستین کسانی همچون حمید نوری بیرون زد و در پای چوبه های دار شیرینی پخش کرد.

زیدآبادی اذعان میکند پزشکین روی میدان مین فرستاده شده و نقشه میدان را هم در اختیارش نگذاشتند! خلاصه کلام اینکه قرار است پزشکین و استمرار طلبان عصای دست آقا شوند تا شاید کاری که رئیسی جلاد توانست انجام دهد، ایشان بتوانند نظام را نجات دهند. نظامی که زمین زیر پایش بواسطه انقلاب زن زندگی آزادی بد جور داغ شده است. انقلابی ضد تبعیض، خواهان شادی و برابری و رفاه و برای تحقق این دو، کل آزادی را طلب میکند. انقلابی که پتانسیل این را دارد که همه چیز را دود کند و به هوا بفرستد. این صرفاً ادعای ما نیست، حالا دیگر یکی مثل اکبر گنجی هم به آن اذعان دارد که نوشته است: "همان گونه که همه فیلسوفان سیاسی و تجربه تاریخی هفتاد سال گذشته نشان داده، بزرگترین شکاف های طبقاتی و تبعیض ها در بستر نئولیبرالیسم آفریده شده است." و از قول یک بابایی در امریکا تاکید کرده است: "که نابرابری و تبعیض، و فساد و پیامد مهلک بازاری شدن همه امور زندگی انسانی است." اکبر گنجی با بلغور کردن سخنان "فیلسوفان برجسته سیاسی و اقتصاددان" و در این دیگ در هم جوش چاشنی مثنوی مولوی را هم افزوده و،

اینبار هم مردم سرنگونی را انتخاب کردند

در مورد دور دوم انتخابات رژیم

دور دوم انتخاب رئیس جمهور اسلامی با رئیس جمهور شدن پزشک‌یان خاتمه یافت. در این دور نیز سرنگونی طلبی پیروز شد! اینبار معلوم نیست تعداد آرا را چند برابر کرده‌اند. اما همه شواهد نشان می‌دهد که برای جبران شکست قاطع دور اول باید میزان مشارکت را بسیار بالاتر نشان میدادند. پیام خامنه‌ای که صبح جمعه گفت «شنیدم که شوق و علاقه مردم بیشتر از قبل است» بیانگر این نیاز بود.

آنچه مردم در شهرهای مختلف شاهد بودند حوزه‌های خالی بود. دور دوم نیز ادامه شکست قاطع دور اول بود و با هیچ ترفند و با هیچ قیمتی این شکست مفتضحانه را نمی‌توان جبران کرد.

چند مرتجع را جلو جامعه گذاشتند، در دور اول ۸۷ درصد جامعه با عدم شرکت در این مضحکه تودهنی محکمی به حکومت زد و همان‌ها که شرکت کردند نیز کاندید اصلی خامنه‌ای و سپاه را سکه یک پول کردند و در دور دوم نیز کاندید اصولگرایان شکست خورد و پزشک‌یان برنده اعلام شد. اصلاح طلبی که کوچکترین وعده‌ای در مقابل یک جامعه خشمگین و معترض نداد جز اینکه او هم در خامنه‌ای ذوب شده و فرامین او را اجرا خواهد کرد. اما نفس اینکه مجبور شدند کاندیداتوری او را تایید کنند و در دوره‌ای که تلاش میکردند بالای حکومت را تماماً یکدست کنند او را از صندوق بیرون بیاورند، به معنی تن دادن خامنه‌ای و هسته سخت قدرت به عقب‌نشینی در برابر صف متحد مردم سرنگونی طلب و شروع تشتت و بهم ریختگی بیشتر در صفوف حکومت است. اما این ترفند نیز دردی از حکومت دوا نخواهد کرد.

در جریان این نمایش انتخاباتی بخش‌های مختلف مردم یکبار دیگر با صدای

اینبار هم مردم سرنگونی را انتخاب کردند!



بلند اعلام کردند رای ما سرنگونی است. چویدستی شکسته اصلاحات دیگر نه تنها نمی‌تواند کابوس سرنگونی حکومت را تخفیف بدهد، بلکه بحران حکومت را تشدید می‌کند و خشم و نفرت مردم از کل حکومت و آتش انقلاب را شعله‌ورتر خواهد کرد. در هم کوبیدن کل نظام جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب! این مسیری است که جامعه برای رهایی خود انتخاب کرده و با قدرت بیشتری ادامه خواهد داد.

حکومت برای جبران شکست راهی جز تداوم و گسترش سرکوب و اعدام و جنایت ندارد. اما با جامعه‌ای آگاه‌تر و منجسم‌تر طرف است. جامعه‌ای که رایش را سالهاست داده است و مسیر پیشروی‌اش را با خیزش و انقلاب مشخص کرده است. حکومت نه جلو بی‌حجابی عمومی و خرد کردن بنیادهای اسلامی‌اش را میتواند بگیرد و نه جلو اعتصابات و اعتراضات را و نه جلو پیشروی و متشکل شدن بخش‌های مختلف جامعه را. دوره متشکل کردن و متشکل شدن بیشتر و انتخاب سیاسی آگاهانه برای پیشروی‌های بیشتر و سرنگونی حکومت قاتلان و فاسدان اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۶ تیرماه ۱۴۰۳، ۶ جولای ۲۰۲۴

نه بزرگ مردم در تداوم انقلاب ...

از صفحه ۳

از آن گذر کرده است.

نمایش چندش‌انگیز حکومت به پایان رسید، انقلاب اما ادامه دارد. و اکنون با دیوار نه گفتن بزرگ جامعه در طی یک هفته به حکومت، توان بیشتری نیز یافته است. حکومت اسلامی اصلاح پذیر نیست نه بخاطر اینکه "دیکتاتور خود رای و مستبد و تمامیت خواه و در عین حال ترسو" است، این دلایل مطلوب کسانی است که در اساس با وجود دیکتاتوری مشکل ندارند؛ دیکتاتور باشد اما مصلح و ایران دوست باشد! حکومت اسلامی اصلاح پذیر نیست، چون سرکوبگر نمی‌تواند باتوم را به دیوار آویزان کند و به حکومت خود ادامه دهد. حکومت اسلامی سرکوبگر یک انقلاب بوده است و با یک انقلاب هم از صحنه جامعه جارو باید بشود. انقلاب زن زندگی آزادی نشان داده است که جامعه به کم راضی نیست و این را در آگاهی‌ای که در شعارها متجلی است میتوان سراغ کرد. منشا اقدامات و پریشان بافی امثال زیدآبادی‌ها و اکبر گنجی‌ها در اینجاست. و این پایان کار این جریان است چون حکومت اسلامی به پایان ماجرا رسیده است.

شعار میدهند: "زن و مرد برابرند متحد علیه ستمگرند"، و یا کارگران مرگ ستمگر - به معنی نیستی سرمایه داری - خواستار میشوند و به نیروی مبارزاتی خود درود می‌فرستند و بیزاری خود را از استعمار طبقاتی حاکم به صراحت و روشنی فریاد میکنند.

اکبر گنجی از عدالت و برابری و علیه نئولیبرالیسم صحبت به میان می‌آورد، این نتیجه تحقیق و تفحص در میان متون فلسفی نیست بلکه انعکاس مبارزات توده زحمتکش جامعه است که امثال او را به هذیان‌گویی انداخته که فراخوان داده است "دولت در سایه" با یک لب تاب کهنه راه انداخته چرا که به زعم ایشان "فیلسوفان برجسته سیاسی و اقتصاددان‌ها نشان داده‌اند که نئولیبرالیسم دموکراسی را هم نابود کرده و انتخاب رهبران سیاسی را به انتخاب ثروتمندان فروکاسته است. همه ی عدالت طلبان آزاد هستند که عضو این دولت سایه شوند، بدون آنکه با هم هیچگونه ارتباطی داشته باشند."

چون اعتراضات خیابانی فروکش کرده است اکبر گنجی‌ها فکر میکنند قطار انقلاب زن زندگی آزادی از شتابش کاسته شده است و بطرز ابلهانه‌ای سر راه این قطار ایستادند تا مانع حرکتش شوند. ماجرای کشیدن پزشک‌یان از صندوق رای جمهوری اسلامی سریعترین دستاوردش این بود که برخی کسانی که از سر ناچاری در واگن‌های آخر این قطار جا خوش کرده بودند، از آن پیاده شدند و به جایگاه اصلی‌شان، مقابله با خواسته جامعه برای تغییر تا رسیدن به یک دنیای بهتر برگشتند، جایگاهی که جامعه در سال ۹۶ با شعار اصلاح طلب و اصولگرا دیگه تموم ماجرا،



حکومتی که قامتش شکسته تر میشود - مهران محبی



تبر، در روز مانده به برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهوری با چهره ای مضطرب در مورد دور اول انتخابات به زبان آمد و با وارونه گویی های همیشگی اش سعی کرد که شکست خود و حکومت اش از مردم لاپوشانی کند.

خامنه ای گفت که مشارکت در انتخابات کمتر از توقع بود ولی آن ۶۰ درصدی هم که مشارکت نکردند، مخالف نظام نیستند و با چاپلوسی تمام ادامه داد که شاید کسانی وقت نداشتند یا مشکلی و غیره برایشان پیش آمده که رأی ندادند!! او فراخوان داد که در دور دوم همه برای آبرومند کردن نظام شرکت کنند.

اما پاسخ مردم به دعوت های خامنه ای و معرکه گیری های دلچک های انتخاباتی و همه باندهای مظطرب حکومتی کوبنده تر از دوره اول بود. حکومت بی اعتبار شده و نامزدهای جانی اش به حدی مورد انزجار مردم هستند که برای هیچ یک از نمایشات معرکه گیری هایشان توانستند یک جمعیت در حد دو هزار نفری جمع کنند و تازه همان معرکه گیری های بی رونقشان تبدیل به صحنه های دعوای و نزاع های میان باندهای طرفدار جلیلی و پزشکیان و فحش و بد و بی راه گفتن و حتی صحنه زد و خورد و مشت و لگد پرانند به یکدیگر شد.

سرانجام پانزدهم تیر ماه روز ثبت دومین شکست در یک هفته برای حکومت از مردم سرنگونی طلب و انقلابی فرا رسید. شعبه های اخذ رأی از دور اول خالی تر و سوت و کورتر بودند و قامت خامنه ای و رژیم اش خمیده تر و شکسته تر شد. آخر سر هم علیرغم همه جنگ و جدالهایشان پزشکیان را بعنوان رئیس جمهوری از صندوق کذایی شان بیرون آوردند. نتیجه اینکه صفوف حکومت از هر زمان متشتت تر است. خودشان دارند از در پیش بودن "فتنه ای دیگر" (انقلاب مردم) سخن میگویند. این شرایط فرصتی است برای مردم که با قدرت بیشتر به میدان آیند و انقلاب ناتمام زن زندگی آزادی را به پیروزی برسانند.

مردم عموماً همانطور که سالهاست کلیت جمهوری اسلامی را دشمن خود و قاتل فرزندان خود می دانند، نگاه و امیدشان برای رهائی از کلیه معضلات و مصائب موجود به سرنگون ساختن حکومت به قدرت خود است و نه به نتایجی که از صندوق های دروغ، تقلب و صندوق های مهندسی شده برای بقاء بساط چپاول و اعدام و قتل و کشتار بیرون کشیده می شود. اینگونه است که در هر فرصتی برای کوبیدن مشت محکم تری بر سر بختک جمهوری اسلامی استفاده می کنند و حکومت را بر زمین میخکوب اش می کنند.

جامعه متفتر از حکومت و جنایاتش، تا سرنگون کردن اش دست بردار نیست و شکست های سنگین انتخاباتی که حکومت را پی در پی از نظر سیاسی و مشروعیت بی اعتبار کرده است، عرصه ای از مبارزات برای سرنگونی آن در بستر انقلاب است.

انتخابات کذایی ریاست جمهوری اسلامی، انزوا و شکست حکومت را بر همگان نمایا تر کرد. این شکست به حدی سنگین بود که سران جنایتکارش دیگر نتوانستند آن را انکار کنند و اگر چه پذیرش شکستشان همراه با سفسطه و مغلطه بود، ولی وحشتشان از پی آمدهای این شکست قابل پوشاندن نبود.

سران حکومت از هر باند و جناحی در برابر مردمی که عزم به سرنگونی حکومتشان کرده اند به صراحت به غلط کردن افتادند. از طرفی باند اصلاح طلب با ژست همسویی کاذب با مطالبات مردم و زاویه داشتن با اختناق و سرکوب، کوشیدند تا جامعه را به خیال خود برای کشاندن به پای صندوق های رأی و باز گرداندن اعتبار و مشروعیت به نظامشان فریب دهند.

ظریف وزیر امور خارجه دولت روحانی دو روز بعد از شکست حکومت اش از مردم در انتخابات هشتم تیر از مردم ابراز شرمندگی کرد و گفت: "من به نوبه خودم شرمنده ام. مردم عزیز ایران ما اشتباه کردیم" و با درماندگی به التماس کردن از مردم برای شرکت در دور دوم مخصوصه انتخابات در روز ۱۵ تیر افتاد.

فاطمه مهاجرانی، فاطمی کماندور رئیس "مرکز استعدادهای درخشان" در دولت روحانی با وقاحت و بی شرمی از حد گذشته، روز سیزدهم تیرماه در میان طرفداران پاسدار پزشکیان در اراک و در حالی که ظریف در کنارش ایستاده بود، برای کسب آبروی حکومت آدمکششان به سؤاستفاده از نام جانبخته انقلاب "زن، زندگی، آزادی" مهرشاد شهیدی متوسل شد. در حالیکه جناح و باند آدمکش خودش کارنامه کشتار معترضان در سال های ۹۶ و ۹۸ و شلیک مستقیم به هواپیمای مسافری اوکرائینی را دارد، از مردم خواست روز پانزدهم تیر به پای صندوق رأی بیایند و به مهره کثیف و ضد زن رأی دهند. به کسی که با افتخار از نقش خود در پاکسازی های دانشگاه تبریز و اجباری کردن حجاب در بیمارستان ها زمانیکه هنوز بحث حجاب نبوده، می گوید تا دیگر مهرشاد دیگری کشته نشود!

و این مزدور وقیح اینچنین با بی شرمی نام مهرشاد شهیدی را که در دفاع از آزادی و برابری و در اعتراض به حجاب اجباری، به دست مزدوران حکومتی در کف خیابان به قتل رسیده را به زبان آورد تا جامعه ای که دادخواه خون هزاران و ده ها هزار انسان آزادیخواه مانند مهرشاد شهیدی هستند و می خواهند کل نظام قاتل و آدمکش را سرنگون کنند، به پای صندوق های رأی بکشاند و به عمر حکومت بیافزایند.

پزشکیان در پیامک ارسالی اش بر روی سیم کارتهای تلفن همراه می گوید: "من زنان و دختران ایرانی و مطالبه های به حق آنان را برای ایران سرمایه و فرصتی نو می دانم. شما هم روز جمعه با رأی خود به خواست تغییر و رفع تبعیض می توانید این فرصت را زنانه تر و تأثیر گذار تر کنید!"

و در برابر این دغل بازی ها، پاسخ مردم به وقاحت ها، بی شرمی ها و بی شرفی ها و کثیفی های تا این حدشان که حال آدم را به هم می زند، بایکوت سراسری انتخابات و به این ترتیب نف کردن به چهره کربه و کثیفشان بود.

از آن طرف هم باند اصولگرایان و خود خامنه ای به تقلا افتادند تا بلکه شکست هشتم

تیر خود از مردم را جبران کنند. پاسدار جلیلی بر ادامه راه رئیسی می کوبید و قول اتمام وعده رئیسی برای ساختن دو میلیون مسکنی را می داد که هیچ وقت شروع نشد. در رأس حکومت نیز خامنه ای بر خلاف معمول که بلافاصله بعد از اتمام رأی گیری ها در تلویزیون ظاهر می شد و به اصطلاح از مردم همیشه در صحنه و حماسه مشارکت در انتخابات تقدیر می کرد، با یک سکوت طولانی در روز سیزده

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



جنون اعدام و کشتن برای جمهوری اسلامی زمان نمی شناسد - مهرا ن محبی

جمهوری اسلامی این حکومت کثیف و آدمکش که شرایط متأثر از فضای انقلابی جامعه نفس اش را به شماره انداخته و در جریان مضحکه ناچار به توسل به انواع فریبکاری ها، چاپلوسی ها و بکارگیری زبان های مختلف برای بیان غلط کردن هایش شد، اما درنده خوئی، خون ریزی و آدمکشی اش را نمی تواند متوقف کند. این یعنی حکومت کشتار و خونریزی، یعنی حکومتی که فقط با آدمکشی و جنایت سرپا است و برای ادامه بقای اش هر لحظه باید بکشد و جنایت کند.

این رژیم قتل و اعدام در تنها ۴ روز قبل از برگزاری دور دوم انتخابات با ۹ زندانی شامل یک زندانی در روز ۱۲ تیر در زندان تبریز و روز بعدش ۳ زندانی دیگر در همان زندان و ۵ زندانی در روز ۱۴ تیر در زندانهای مشهد و ساری را اعدام کرد و این در حالی بود که باند جنایتکار اصلاح طلب برای فریب دادن مردم در جمع های تبلیغاتی شان ترانه "برای" شرمین حاجی پور (ترانه انقلاب "زن، زندگی، آزادی") را از بلندگوهایشان پخش می کردند.

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی علاوه بر اعدام ۹ نفر در زندان های اش در این مدت چند روزه، ماشین سرکوب و زندان و آدمکشی اش در خارج از زندان هم فعال بوده است؛ زخمی کردن یک کولبر اهل سردشت در روز ۱۰ تیر، به قتل رساندن یک سوختیر در مرز "روتک" شهرستان خاش در روز ۱۳ تیر، بازداشت عاطفه رنگریز فعال حقوق زنان در شاهرود در روز ۹ تیر و بازداشت ۴ شهروند ساکن دیواندره و اشنویه در روز ۱۴ تیر بخش های دیگری از کارنامه قتل و بازداشت و سرکوب در مدت یک هفته ای بوده است که به موازات آن تمام دستگاه های تبلیغاتی و کل ماشین حکومتی اش را در حمایت و پاسداری از عنترهای انتخاباتی رقصنده اش برای رونق بخشیدن به انتخابات بی اعتبار و بی رونق اش بسیج کرده بودند و در معرکه گیریهایشان شیرینی و ساندیس و غیره پخش می کردند.

این حکومت جنایتکار هم اکنون صدها انسان را با جرائم عادی محکوم به اعدام در زندان های اش نگه داشته تا هر روز تعدادی از آنها را برای ایجاد رعب و وحشت اعدام کند و همچنین حداقل ۱۵ زندانی سیاسی توسط دستگاه قضائی جنایتکارش به اعدام محکوم شده اند و به دنبال فرصتی می گردد تا آنها را به قتل برساند.

بنابراین اطلاق حکومت اعدام و قتل و سرکوب و جنایت به جمهوری اسلامی، فقط بیان یک صفت ذهنی و ایدئولوژیکی از شقاوت نیست، بلکه بیان یک واقعیت عینی و میدانی از موجودیت جمهوری اسلامی است که واقعا می کشد، اعدام می کند، سرکوب و زندان و هر نوع جنایتی برای ادامه حیات اش می کند و آمار آن که فقط بخش رسانه ای شده و در دسترس آن در فضای سانسور و اختناق و سرکوب است، ثابت می کند که جمهوری اسلامی مطلقا هیچ روزی را بدون ارتکاب به جنایات به شب نمی رساند.

این حکومت باید سرنگون شود تا مردم ایران و کل بشریت نفس راحتی بکشد و خوشبختانه نزدیک به دو سال است که انقلابی در جریان است که امر رهائی همه بشریت از بختک جمهوری اسلامی را اساس فوری خود قرار داده است.

امروز همه بخش های جامعه ایران از کارگران و معلمان و بازنشستگان گرفته تا زنان و جوانان و دادخواهان و خانواده های زندانیان سیاسی در ادامه انقلاب خود برای سرنگون ساختن حکومت قتل و جنایت در میدان هستند و عزم کرده اند تا کار رژیم را تمام کنند. دستگاه قضائی جمهوری اسلامی که فکر می کرد با اعلام صدور حکم اعدام برای شریفه محمدی می تواند در گیرودار تلاش های حکومت و معرکه گیری های انتخاباتی اش جامعه را مرعوب و به سکوت بکشانند و علاوه بر آن قصد جلوگیری از ادامه تجمعات اعتراضی بازنشستگان و گستردگی روز افزون اعتصابات کارگران پروژه ای نفت و گاز و پتروشیمی و صنایع دیگر را دنبال می کرد، بلافاصله مورد حمله و تعرض عمومی قرار گرفت و فضای سیاسی علیه حکومت و همه جانباختگان آن سنگین تر شد.

شریفه محمدی و همه زندانیان سیاسی که محکوم به اعدام یا در خطر محکوم شدن به اعدام هستند، سنبل ها و نماد های مبارزه و مقاومت عموم مردم هستند که حتی در زندان ها در برابر حکومت آدمکشان و دزدان حاکم بر جامعه ایستاده و از آزادی و انسانیت دفاع می کنند و عموم مردم نیز این واقعیت را به خوبی درک می کنند و به همین خاطر است که جنبش علیه اعدام در ایران یکی از قدرتمندترین جنبش های اعتراضی علیه کلیت جمهوری اسلامی است.

جامعه ای که با این حد از رادیکالیسم و درک و عمل عمیق برای سرنگون ساختن رژیم، انقلابشان را به پیش می برد، می تواند طناب دار را از دست حکومت آدمکشان بگیرد. مردم بارها این کار را کرده اند و کسانی مانند توماج صالحی و امیرحسین مرادی و علی یونسی را از اعدام توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نجات داده اند.

باید برای نجات شریف محمدی و همه زندانیان محکوم به اعدام قدرتمندتر از پیش جمهوری اسلامی را زیر فشار بگذاریم. جمهوری اسلامی بعد از رسوائی های پی در پی انتخاباتی اش که در نوع خود رفراندوم هائی علیه اش بودند، ضعیف تر و زبون تر شده و می توان راحت تر از گذشته آن را به عقب برانیم.



کارگران در هفته ای که گذشت : تنظیم کننده کارگر کمونیست



- نیروهای هنگ مرزی در نوارمرزی "گوره شیر" سردشت گروهی از کولبران را مورد هدف تیراندازی قرار دادند و در نتیجه آن یک کودک کولبر به نام محمد الی ز روستای دولتو از ناحیه پشت مورد اصابت گلوله قرار گرفت و گلوله بعد از اصابت به کبد از ناحیه شکم وی خارج شد. کشتار کولبران بخشی از جنایات حکومت اسلامی است که هر روزه اخبارش میرسد. کولبران کارگران بیکاری هستند که بدلیل بی تامینی مطلق به این شغل خطرناک مشغولند. ابعاد وحشتناک بی تامینی باعث شده که کودکان و افرادی در سنین بازنشستگی به این کار روی آورند. جمهوری اسلامی قاتل کولبران است و سران این حکومت بخاطر تمامی جنایاتشان باید محاکمه شوند. تمامی افراد بیکار و بدون درآمد و کم درآمد باید از مقرری ماهانه مکفی برخوردار باشند.

سه شنبه ۱۲ تیر

- زندانیان سیاسی در زندان های اوین (بندزنان، بند ۸، بند ۶ و بند ۴)، قزلحصار (واحد ۳ و واحد ۴)، مرکزی کرج، خرم آباد، خوی، نقده، سقز و مشهد و شماری از زندانیان سیاسی زندان تبریز (بند زنان) در بیست و سومین هفته سه شنبه های اعتراض علیه اعدامها دست به اعتصاب غذا زدند.

دوشنبه ۱۱ تیر

- اعتصاب کارگران پروژه ای پیمانی نفت وارد دوازدهمین روز خود شد و هزاران کارگر در شرکتهای نفت و گاز به کمپین ۱۴-۱۴ پیوسته و خواستار چهارده روز کر و چهارده روز استراحت و افزایش دستمزدها و حذف پیمانکاران هستند.

- بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراضی خود در شهرهای بابل، بندر عباس، ارومیه، تبریز، سنندج، مریوان، اصفهان، زنجان، بیجار در برابر ادارات مخابرات تجمع کردند.

دوشنبه ۱۸ تیر

- بازنشستگان مخابرات در اعتراض به فقر و فساد و سرکوبگریهای حکومت و بی پاسخ ماندن مطالبات خود در شهرهایی چون سنندج، اصفهان تجمع کردند.

یکشنبه ۱۷ تیر

- بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای تهران، کرمانشاه، شوش و اهواز تجمع کردند. در این روز همچنین بازنشستگان فولاد نیز در شهرهای اصفهان، قائمشهر، دامغان و اهواز در اعتراض به فقر و فلاکت و بساط سرکوبگریهای حکومت و برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. بازنشستگان در شوش و تهران با شعار شریفه محمدی آزادی باید گردد اعتراض خود را به حکم اعدام وی اعلام کردند.

- هفت تشکل انجمن برق و فلزکار کرمانشاه، شورای بازنشستگان ایران، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، ندای زنان ایران و نهاد دادخواهان طی بیانیه ای حکم وحشیانه اعدام برای شریفه محمدی فعال کارگری محبوس در لاکان رشت را محکوم کردند.

- اعتصاب سراسری هزاران کارگر پروژه ای نفت وارد هجدهمین روز شد و ۱۲۳ شرکت نفت و گاز به اعتصاب پیوسته اند.

جمعه ۱۵ تیر

- شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای صدور حکم اعدام برای شریفه محمدی را محکوم و بر آزادی فوری او تاکید نمود.

- العاندرا اورتگا فونتنس، مسئول کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسپانیا، ("کمیسرین های کارگران اسپانیا") در بخش کشورهای عربی، آفریقا، آسیا و همچنین در سازمان جهانی کار اعلام نمود: «شریفه محمدی، فعال ایرانی، در ۴ جولای به بهانه فعالیت کارگری در تشکل های مستقل، به شورش (بغی) متهم و به مجازات اعدام محکوم شده است. این حکم ظالمانه باید فوری لغو گردد.»

پنجشنبه ۱۴ تیر

- پس از ماهها حبس ناعادلانه و اعمال انواع شکنجه، پرونده سازی در غیاب دادرسی ناعادلانه، روز پنجشنبه دادگاه انقلاب رشت شریفه محمدی، فعال کارگری، را به اعدام محکوم نمود این حکم جنایتکارانه و غیرانسانی تعرضی به انقلاب زن زندگی آزادی و برای منکوب کردن فعالان صنفی، مدنی و سیاسی است. صدور این حکم با موجی از اعتراضی در میان بخش های مختلف کارگری روبرو شده و کمپینی برای آزادی و لغو حکم اعدام وی به جریان افتاده است. به این کمپین پیوندیم.

چهارشنبه ۱۳ تیر

- کارگران ارکان ثالث در شرکت ملی حفاری در ادامه اعتراضات قبلی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی خود دست به اعتصاب زده و در اهواز تجمع کردند.

آزادشان کنید! FREE THEM NOW

June 20th: International day in support of political prisoners in Iran

FREE ALL JAILED WORKERS AND TEACHERS IN IRAN

اساسی برخی از فعالین کارگری زندانی: داود رضوی، رضا شهبانی، حسن سعیدی، نسیم جوادی، ناهید خادجو، عباس دریس، رضا آفندی، شریفه محمدی، عثمان اسماعیلی، کیوان بهتدی، مهراں رنوف، سیدیه قلیان، ریخته انصاری، نژاد، ابوالفضل غسانی، راهله راحمی پور (خانواده دادخواه و نیازمندی)

اساسی برخی از معلمان زندانی: بهمن الفتی، مریم زنگنه، رسول بدایی، هاشم خواستار، ناهید شیرپیشه، جواد لعل محمدی، احمد علوانده، زینب هرننگ، اصغر اموززادگان، عزیز نسیم زاده، امین چلبی نژاد، جمشید سپهری، سیمین کوزل، ژاک پاری.

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

اطمینان هم نیست. او در نمایشات انتخاباتی برای زدن رقبای اصولگرای سعی کرد خود را در کنار مردم قرار دهد. اما او هم نوچه خامنه ای است. خودش گفته است قصد دیگری جز اجرای دستورات "آقا" را ندارد. برای مردم روشن است که حتی انتصاب پزشک‌های از جانب حکومت نخواهد توانست این رژیم ضد انسانی را از سقوط و سرنگونی نجات دهد. خودشان هم می دانند که وضعیت حکومت با پزشک‌های نه فقط ثبات پیدا نخواهد کرد بلکه به وضعیت درهم ریخته تری دچار خواهد شد. هزار و یک مسئله بر روی میز قرار دارد که این رژیم پاسخی برای آنها ندارد. این رژیم تنها راه بقای خود را حمله هر چه بیشتر به مردم در همه سطوح از جراحی اقتصادی و تعرض به معیشت مردم گرفته تا تشدید سرکوب و اعدام و شکنجه می داند. اما این رژیم با جامعه ای در حال جوش و خروش روبروست که دو سال بعد از انقلاب زن زندگی آزادی قصد از باز ایستادن ندارد. هر روز اعتراضی جریان دارد، معلم و بازنشسته و پرستار و کارگر نفت و زنانی که حق و حقوق خود را طلب می کنند. هر اقدام حکومت علیه مردم باروت خشم آنها را شعله ورتو خواهد کرد. به خاطر داشته باشید که دولت "امید" روحانی با گران کردن قیمت بنزین چگونه باعث قیام و خیزش آبان ۱۳۹۸ شد. حالا اوضاع بمراتب انفجاری تر است.

جمهوری اسلامی در جریان سیرک انتخاباتی سیلی محکمی از مردم خورد. با پزشک‌های تش های بالای حکومت اوج جدید خواهد گرفت. مردم وارد مصاف های تعیین کننده ای با حکومت خواهند شد. مصاف هایی که می تواند سرنوشت آتی جامعه ایران را با به زیر کشیدن این رژیم تعیین کند. خود را برای این شرایط آماده کنیم!

مسعود پزشک‌های: اگر رهبری نبود نام من از صندوق بیرون نمی آمد! حسن صالحی

این حرف مسعود پزشک‌های عین واقعیت است. نفس اینکه پزشک‌های اجازه یافت در رقابت های حکومتی در این سیرک انتخاباتی شرکت کند بدون اجازه خامنه ای ممکن نبود. نمی دانم که آیا پزشک‌های گزینه اول خامنه ای بود و یا نبود، ولی تصمیم بر این بود که با عبور پزشک‌های از فیلتر شورای نگهبان و ورود او به صحنه، به سیرک های بی رونق انتخابات حکومتی شور و حالی بدهند. علتش هم روشن بود. مدتهاست که این نوع به اصطلاح انتخاباتها به کابوس حکومت تبدیل شده است. مردم رژیم را نمی خواهند و انقلاب زن زندگی آزادی بر سر سرنگون کردن این رژیم است. یعنی می خواهم بگویم این رژیم نه فقط مشروعیتی ندارد که با مردمی روبروست که مترصد ساقط کردن آن هستند. این وضعیت خامنه ای را واداشت تا با ورود پزشک‌های به صحنه رقابت رضایت دهد. می خواستند ضربه گیری به دور جمهوری اسلامی ایجاد کنند تا ضربه محکمی از جانب مردم نخورند.

اما هم چیز مطابق نقشه ای حکومت و نظام پیش نرفت. مردم مضحکه انتخابات را بطور بی سابقه ای تحریم کردند و در این مورد رکورد زدند. حتی بنا به آمار خودشان پزشک‌های تنها توانست ۲۶ درصد آرای واجدین شرایط را به خود اختصاص دهد. با این همه حکومتیان بر خود می بالند که حالا کابوس انتخابات را پشت سر گذاشته اند. ولی این به نظر من پایان ماجرا نیست. پزشک‌های نمی تواند به خاکریزی برای حکومت تبدیل شود. او حتی سوپاپ

گزارشی خواندنی از یک کارگر تعمیراتی ارکان ثالث از سیرک انتخاباتی حکومت

ازش حرف می‌زدیم. تحقیر مأموران و جیره بگیران نظام سرکوبگر با دهن کجی ما... خودشون هم متوجه بودند کجا نشستند و چجوری با نگاه‌های از دور ما تحقیر میشوند. از اون روز به بعد گفتگوی انتخابات دور دوم بین همکاران چنین مطرح بود که توی انتخابات شرکت نمیکنیم تا متوجه باشند ما پای خواسته هامون ایستاده ایم. حس درونم می‌گفت دمتون گرم. جمهوری اسلامی شاید بتونه با ریختن گارد انتظامی و لباس شخصی از خیابون جمع‌تون کنه، اما نمیتونه با هیچ طرفندی خواسته هاتون رو ازتون بگیره و به کاری بر خلاف میل‌تون مجبور‌تون کنه.

امروز با نگاه به اعتراضاتی که توی این مدت داشتیم و تحریم تحقیر آمیز جمهوری اسلامی که دیگه نتونستن انکارش کنند، بیشتر از پیش احساس کردم بعنوان کارگر نفت جایگاه مهمی داریم که برای بالایی‌ها قابل چشم پوشی نیست. من کارگر مجتمع گاز از مجموعه تولید نفت هستم که عملکردم و اعتراضم می‌تونه از اساس همه شرایط رو یکجا تغییر بده.

مطمئنم بعد از این اعتراضات اخیر و این تحریم انتخابات و نه بزرگ به حکومت این حس اقتدار در بقیه همکاران هم شکل گرفته و ما الان بمب منفجر نشده توی شکم مالاها می‌لایدر هستیم که کمی بیشتر نمونه منفجر بشه.

امروز که دور دوم انتخابات بود از همان آغاز صبح ذوق اینو داشتم که بازهم قیافه در هم رفته اون مامورها رو ببینم و جلوشون رژه افتخار برم و با صدای بی صدا بگم این مانیم که برنده این کشمکش هستیم. شما اون طرف خط خون ایستادید و تحقیر شده میدونید پایان این داستان سربلندی ما و زوال شماست. و الان میتوانم بگویم که این رژه افتخار را رفتم.

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

من کارگر ارکان ثالث در یکی از فازهای پالایشگاهی پارس جنوبی در گرمای بالای پنجاه درجه و در سخت ترین و آلوده ترین شرایط کاری اعلام میکنم در اعتراض به شرایط در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکردم و نه گفتم. هفته گذشته وقتی از دور صندوق رأی رو دیدم، میدونید عوامل انتخابات پای صندوق چه کسانی بودند؟

همون مامورهای لباس شخصی که در روز تجمع سوم دی ۱۴۰۱ میدان کاکتوس بهمون حمله کردند و جلوی اعتراضمون رو گرفتند.

همونهایی که چند تا از همکارامونو بازداشت کردند و بردند و تا چند روز خبری ازشون نبود بعد هم با وثیقه و تعهد اجازه دادند برگردن سرکار.

وقتی اینها رو پای صندوق رأی دیدم یادم به اون روز افتاد. مگه ما چی میخواستیم؟ اون همه لشکر مامور و لباس شخصی تا دندون مسلح که اومده بودن از تجمع ما جلوگیری کنند؟

از تجمع یه عده کارگر که به محقق نشدن خواسته هاشون معترض بودند؟ به اون روز که فکر کردم و صندوق رأی رو دیدم متوجه شدم چرا هیچ کارگری اطراف صندوق نیست. احتمالاً بقیه هم دلایل منو داشتن و اون مامورها رو دیدند.

البته یکی دو نفر رسمی حراست و بسیج و مدیران داخلی پالایشگاه هم بودند و یکی دو تا هم از همکاران ما که توهمنم نمایندگی اتحادیه های دولت ساخته، اونها رو پای صندوق رأی کشیده بود.

با این حال توی همون گرمای دم صبح همین آدمها معطل همراهی دیگر همکاران بودند که این معطلی کار به جایی نبرد و تا عصر که ما از پالایشگاه بیرون میرفتیم اونها نشسته بودند و در حالت چرت مگس میپرانندند.

از در حراست پالایشگاه که زدیم بیرون خنده های معنا دار همکاران نشون میداد که اونها هم به همون چیزی فکر میکنند که من فکر میکنم. که البته بعضی هامون مشخص



- چهار زندانی در بند ۳ زندان شیپان اهواز به دلایل نامشخص جان خود را از دست داده اند. بنا به برخی گزارشات به این زندانیان داروهای اشتباهی داده شده است که منجر به مسمومیت و مرگ آنها شده است که گفته میشود تعمدی بوده است. علاوه بر این، ۱۵ زندانی دیگر به بیمارستانی خارج از زندان شیپان منتقل شده اند و هنوز اطلاعاتی دقیقی از وضعیت سلامتی آنها در دسترس نیست. جمهوری اسلامی مسئول مرگ این زندانیان است و باید به مردم جوابگو باشد.

- شماری از کارگران گروه ملی فولاد اهواز با خواست بازگشت به کار خود در تهران مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. این کارگران در اسفند ماه گذشته در جریان اعتراضات قدرتمند کارگران فولاد اهواز علیه فساد مدیریت و با خواست افزایش فوری دستمزدها و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از کار بیکار شدند. اعتراضاتی که در آن تمام بخش های این کانون داغ اعتراضی دست از کار کشیده و با راهپیمایی و فریاد شعارهای کوبنده خود بار دیگر خیابانهای اهواز را به لرزه در آوردند.

- هزاران کارگر پروژه ای نفت برای پیگیری مطالباتشان و با سه مطالبه فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روزکار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران و پیگیری دیگر مطالباتشان همچنان در اعتصاب هستند و ابعاد اعتصاب هر روز وسیع تر میشود. کارگران در مراکز نفت و گاز در مناطق مختلف استان خوزستان نیز به این اعتصاب پیوسته اند.

- به گزارش رسانه های حکومتی روز دوشنبه اهواز با 6/50 درجه سانتیگراد گرم ترین نقطه استان خوزستان بود. در شرایط محرومیت مردم از وسایل سرمایشی و قطعی پی در پی برق و مشکل بی آبی، این گرما همواره صدمات بسیاری به مردم وارد کرده است. بعلاوه اینکه در چنین دمایی از گرما کارگران در بسیاری از مراکز کاری ناگزیر به کار هستند، بدون اینکه تجهیزات لازم برای مقابله با این گرمای سوزان و دستگاههای با استاندارد تهویه هوا در محلهای کار وجود داشته باشد. در بسیاری اوقات کار در این شرایط موجب حملات قلبی و بیهوشی کارگران شده است.

یکشنبه ۱۰ تیر

- بازنشستگان فولاد در اهواز در منطقه کیانپارس برای پیگیری مطالباتشان مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند. بخشهای مختلف بازنشستگان متناوبا تجمع و اعتراض میکنند و تعرض حاکمین حریص و چپاولگر به حقوق و معیشتشان را مورد اعتراض قرار میدهند. اعتراض بازنشستگان به فقر، بی تامینی، فساد و بساط سرکوب و جنایت حکومت است.

- بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز علیرغم فشارهای امنیتی بر بعضی فعالین و نیز گرمای شدید خوزستان، مقابل ساختمان تامین اجتماعی تجمع کردند.

شنبه ۹ تیر

صفحه ۱۰

از خوزستان خبر میرسد؟

۸ تیر تا ۱۴ تیر ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۸ تیر

-سپیده قلیان زندانی سیاسی در بند زنان اوین به مناسبت سیرک انتخاباتی حکومت، نامه ای داده و مینویسد: "رای ندادن در چنین شرایطی نوعی از مقاومت مدنی است که به عدم وجود مکانیسم های دموکراتیک اعتراض می کند. مردم با عدم شرکت در انتخابات نارضایتی عمومی خود از وضعیت را نشان می دهند و پیامی مهم به جامعه جهانی از وضعیت اسفبار سیاسی و اجتماعی ایران می دهند. این در شرایطی که جمهوری اسلامی پس از سرکوب های شدید و در آخرین انواع آن سرکوب های خونین جنبش زن زندگی آزادی به دنبال مشروعیت جهانی است، اهمیت بسیار ویژه دارد. مقاومت مدنی از نوع رای ندادن باید به صورت فعالانه و در جهت ارتقای جنبش انقلابی زن زندگی آزادی باشد. این ممکن نیست مگر با حفظ همبستگی اجتماعی میان گروه های مختلف و بازنمایی سیاسی آن در جهت تحقق دموکراسی واقعی و آزادی در ایران.. به امید سرنگونی"

پنجشنبه ۱۴ تیر

- رعنا کورکور، خواهر مجاهد کورکور، از بازداشت شدگان خیزش سراسری «زن زندگی آزادی» که توسط بیدادگاه حکومت اسلامی به اعدام محکوم شده است، بازداشت شد. مجاهد (عباس) کورکوری با حکم اعدام در زندان شیپان اهواز بسر میبرد.

-اعتصاب و تجمع کارگران ارکان ثالث شرکت ملی اهواز ادامه یافت و کارگران پیگیری مطالبات خود و حذف پیمانکاران هستند. یک مطالبه فوری این کارگران بازگشت به کار یاسر احمدی نژاد کارگر اخراجی است که شش ماه است از کار تعلیق شده است.

چهارشنبه ۱۳ تیر

- بیش از سیصد کارگر ارکان ثالث در شرکت ملی حفاری در ادامه اعتراضات قبلی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی خود دست به اعتصاب زده و در اهواز تجمع کردند. افزایش حقوقها و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و حذف پیمانکاران، مطالبات اعلام شده کارگران ارکان ثالث است. این اعتراضات همراه با اعتراضات هزاران نفر کارگر پروژه ای پیمانی نفت نشانگر گستردگی اعتراضات در این مرکز کلیدی کارگری است.

- بازنشستگان شرکت نفت در اعتراض به وضع بد معیشتی و پاسخ نگرفتن مطالبات خود مقابل درب صندوق بازنشستگی صنعت نفت در منطقه امانیه اهواز تجمع کردند.

سه شنبه ۱۲ تیر

-شوشتر (استان خوزستان): اعتصاب و تجمع کارگران شرکت «بهره برداری از شبکه های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ در پای کار، در اعتراض به وضعیت ناپایدار شغلی خود، صورت گرفت.

دوشنبه ۱۱ تیر



باید گردد"، و "درد ما دردشماست مردم به ما ملحق شوید".

در تهران تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی با همراهی بازنشستگان کشوری در برابر سازمان تامین اجتماعی برپا شد. تجمع کنندگان در سخنرانی‌ها و شعارهایشان از جمله به نابرابری حقوق زنان و مردان بازنشسته اعتراض داشتند. در تهران نیز تجمع کنندگان با شعار "شریفه محمدی آزادی باید گردد"، اعتراض خود را به حکم اعدام وی اعلام داشتند. دیگر شعارهای تجمع کنندگان عبارت بودند از: "حقوق طبق تورم"، "نه صدقه نه منت، حقوق بدین با عزت"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "زن و مرد برابرند، متحد و دلورند"، و "ظلم و ستم در اینجا، مضاعفه بر زنها".

در این روز بازنشستگان فولاد علاوه بر مطالبات سراسری بازنشستگان بر اجرای صحیح همسان‌سازی‌های سال ۹۹ و سال ۱۴۰۳ و جبران عقب افتادگی حقوق بازنشستگان صندوق فولاد نسبت به سایر صندوق‌های بازنشستگی و ترمیم حقوق و مستمری خود مطابق با نرخ تورم تاکید کردند. بازنشستگان فولاد در تجمعات و راهپیمایی خود با فریاد شعار "فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن" پیگیر مطالباتشان شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ تیر ۱۴۰۳، ۷ ژوئیه ۲۰۲۴

مختلف، تودهنی مردم در سراسر کشور به حکومت و مضحکه انتخاباتش بود. در شهرهای خوزستان نیز گزارشها از کساد بساط انتخابات حکومت خبر میدهند. برای مثال گزارشات از گتوند و دزفول و اهواز نشان میدهد که صندوقهای رای حکومتی بسیار کساد و خالی بوده است و درصد بسیار پایینی از مردم، در انتخابات کذایی شرکت کرده اند.

- امان جلالی نژاد، معلم ساکن اهواز، کماکان به صورت بلا تکلیف در زندان شیبان این شهر در بازداشت بسر می برد. همچنین علیرغم اینکه بازپرس پرونده دستور رفع توقیف وسایل ضبط شده او را داده بود، حفاظت اطلاعات کماکان از تحویل آنها خودداری می کند. نیروهای امنیتی امان جلالی نژاد را در تاریخ ۲۰ فروردین سال جاری، در محدوده ورودی شهر اهواز بازداشت و اوایل خرداد از بند قرنطینه زندان شیبان اهواز به بند امنیتی این زندان منتقل کردند.

۱۵ تیر ۱۴۰۳، ۵ ژوئیه ۲۰۲۴

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد در چندین شهر

شریفه محمدی آزاد باید گردد

امروز هفدهم تیر ماه بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای تهران، کرمانشاه، شوش و اهواز تجمع کردند. در این روز همچنین بازنشستگان فولاد نیز در شهرهای اصفهان، قائمشهر، دامغان و اهواز در اعتراض به فقر و فلاکت و بساط سرکوبگریهای حکومت و برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند.

در شوش به روال معمول بازنشستگان از شهرهای شوش، کرخه و هفته تپه جمع شده و در گرمای سوزان بالای ۵۰ درجه به فقر، تبعیض، حقوقهای ناچیز و بی‌تامینی‌ها و بساط اختلاس و دزدی و سرکوبگریهای حکومت دست به تجمع و راهپیمایی زدند و با فریاد شعارهای اعتراضی خود پیگیر مطالباتشان شدند. در این تجمع فریدون نیکوفر یکی از بازنشستگان سخنرانی کرد و ضمن اعلام اعتراض علیه حکم ظالمانه اعدام برای فعال کارگری شریفه محمدی بر آزادی فوری او و لغو این حکم شنیع، و بر حق تشکل برای همه مردم تاکید کرد. سخنان او با کف زدن جمعیت مورد تایید قرار گرفت. در این تجمع بازنشستگان شعار میدادند: "نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه"، "تامینو غارت کردند، ما را بیچاره کردند"، "کشوری، لشکر، تامین اجتماعی، اتحاد، اتحاد"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، و "روسری را رها کن، فکری به حال ما کن".

در کرمانشاه بازنشستگان تامین اجتماعی و همچنین بازنشستگان کشوری و خدمات درمانی و مخابرات در اتحاد با یکدیگر تجمع داشتند. یکی از بازنشستگان معترض در خصوص مطالبات کارگران سخنرانی کرد و در اشاره به انتخابات حکومتی گفت "تغییر یک مهره در این ساختار نمیتواند مطالبات بر زمین مانده را تحقق بخشد" و بر تداوم اعتراضات و مطالبه گری تا رسیدن به مطالبات تاکید کرد. در این تجمع همچنین یکی از بازنشستگان کشوری پیرامون آوار معضلاتی همچون پولی شدن آموزش و بهداشت و بیکاری جوانان و مشکلات معیشتی مردم سخنرانی کرد. این سخنرانی‌ها با کف زدن تجمع کنندگان همراه بود. بازنشستگان شعار میدادند: "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، "هم مجلس هم دولت، دروغ میگن به ملت"، "کارگر زندانی آزاد

اخبار هفته: واحد خوزستان ...

از صفحه ۹

- بنا به گفته خواهر مجاهد کورکور زندانی سیاسی محکوم به اعدام در زندان شیبان اهواز، نامبرده ممنوع التماس و ملاقات است و خانواده از وضع وی بی اطلاع می باشد. قوه قضاییه جمهوری اسلامی، مجاهد کورکور را به تیراندازی ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در ایذه و کشتن هفت شهروند، از جمله "کیان پیرفلک" متهم کرده است. این زندانی سیاسی اتهامات مطروحه بر ضد خود را رد کرده و مادر کیان پیرفلک نیز در مراسم خاکسپاری فرزندش تاکید کرد، که این ماموران حکومتی بودند که خودروی آن‌ها را به رگبار بستند. مجاهد کورکور در ۲۹ آذر ۱۴۰۱، دستگیر شد.

- جمعی از کارگران شرکتی، شاغل در شرکت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ که به صورت پیمانکاری مشغول کارند، با حضور در محوطه داخلی شرکت خواستار پیگیری وضعیت شغلی و استخدامی خود شدند.

جمعه ۸ تیر

- همانگونه که انتظار میرفت، خالی بودن صندوق‌های رای در شهرهای



افزایش حقوقها و قطع دست پیمانکاران مفتخور است. خواسته‌های این کارگران نیز با اعتراضات کارگران ارکان ثالث مشترک است. و این اشتراک مطالباتی بستر مناسبی برای سراسری شدن اعتراضات در نفت و تأثیر مستقیم آن در فضای سیاسی جامعه است. از اعتراضات کارگران نفت وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ تیر ۱۴۰۳، ۳ ژوئیه ۲۰۲۴

ادامه اعتصابات در نفت

اعتصاب کارگران ارکان ثالث و ادامه اعتصاب کارگران پروژه ای در ۱۲۰ شرکت نفت و گاز

امروز ۱۳ تیرماه کارگران ارکان ثالث در شرکت ملی حفاری در ادامه اعتراضات قبلی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی خود دست به اعتصاب زده و در اهواز تجمع کردند.

افزایش حقوقها و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و حذف پیمانکاران، مطالبات اعلام شده کارگران ارکان ثالث است. این اعتراضات همراه با اعتراضات هزاران نفر کارگر پروژه ای پیمانی نفت نشانگر گستردگی اعتراضات در این مرکز کلیدی کارگری است.

بنا به گزارشات اعتصاب کارگران پروژه ای نیز گسترش بیشتری یافته و به ۱۲۰ شرکت نفت و گاز کشیده شده است. مطالبات کارگران پروژه ای پیمانی نفت نیز

۱۲ تیر : تجمع بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی در کرمانشاه و چند خبر دیگر



در یاسوج نیز در این روز رانندگان خودروهای راهسازی در اعتراض به نبود سوخت و تعطیلی کار در برابر استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. آخرین خبر اینکه مالباختگان شرکت ریگان خودرو در اعتراض به بالا کشیدن پولهایشان و دزدیها و چپاولگریها مقابل مجتمع ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی تجمع کردند. این تجمع با تهدید نیروهای امنیتی روبرو شد. تجمع کنندگان شعار میدادند: "مرگ بر مجرم اقتصادی".

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ تیر ۱۴۰۳، ۲ ژوئیه ۲۰۲۴

امروز ۱۲ تیرماه بنا بر فراخوان از قبل اعلام شده تجمع سراسری بازنشستگان کشوری کرمانشاه با همراهی بازنشستگان تامین اجتماعی، مقابل صندوق بازنشستگی برگزار شد و بازنشستگان با شعار دادن و سخنرانی و راهپیمایی اعتراضی، پیگیر مطالباتشان شدند. در این تجمع حضور زنان چشمگیر بود و جمعیت شعار میدادند: "فقر، فساد، تورم بالای جان مردم!" و "فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون".

کارگران شرکت سدیم کاوه فیروز آباد فارس در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات مزدی و معیشتی خود بار دیگر دست به اعتصاب زدند. تجمع قبلی آنها در ۲۲ خرداد برگزار شد.

حرکت اعتراضی دیگر در این روز از سوی ۱۵۰ کارگر قراردادی شرکت "بهره برداری شبکه‌های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ در اعتراض به عدم ایمنی شغلی و با خواست استخدام رسمی در شرکت بود که در محل کار خود تجمع کردند. در این رابطه این کارگران بارها و تجمع و اعتراض داشته اند و طبق گزارشات نامه تبدیل وضعیت شغلی آنها چند سال پیش از سازمان آب و برق به شرکت ابلاغ شده است. اما علیرغم دریافت مدارک استخدامی هنوز اجرایی نشده است.

۱۱ تیر : تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چندین شهر

فراخوان بازنشستگان در کرمانشاه به تجمع مشترک

میزند. بخش های مختلف بازنشستگان از جمله بازنشستگان مخابرات، کشوری، تامین اجتماعی و علوم پزشکی برای پیگیری مطالبات خود فراخوان به تجمع مشترک در مقابل صندوق بازنشستگی کشوری را داده اند. بازنشستگان در کرمانشاه نمونه خوبی از اعتراض متحد بخش های مختلف بازنشستگان را بدست داده اند. این الگو را در همه شهرها میتوان بکار گرفت.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۱ تیر ۱۴۰۳، ۱ ژوئیه ۲۰۲۴

امروز یازدهم تیرماه بازنشستگان مخابرات در شهرهای بابل، بندر عباس، ارومیه، تبریز، سنندج، مریوان، اصفهان، زنجان، بیجار دست به تجمع زده و پیگیر مطالباتشان شدند. بخشهای مختلف بازنشستگان متناوباً تجمع و اعتراض میکنند و تعرض حاکمین حریص و چپاولگر به حقوق و معیشتشان را مورد حمله قرار میدهند. اعتراض بازنشستگان به فقر، بی تأمین، فساد و بساط سرکوب و جنایت حکومت است. بعلاوه بازنشستگان مخابرات به اجرایی نشدن آیین نامه‌ی استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ که میتواند بهبودی در سطح دریافتی های آنها ایجاد کند معترضند. اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای رقم سبد معیشت سی میلیونی و درمان رایگان دو خواست سراسری بازنشستگان است.

مطالبات مشترکی اعتراضات بخش های مختلف بازنشستگان را به هم پیوند

تلگرام: @wpi_tamas
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲
tamas.wpi@gmail.com

به حزب کمونیست
کارگری بپیوندید!



۱۷ تیر ۱۴۰۳: هجدهمین روز اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای پیمانی نفت در ۱۲۳ شرکت نفت و گاز - کمپین 14-14

- ۱- شرکت اطمینان سازه از پروژه چشمه خوش دشت عباس پیمانکاری داودی
 - ۲- داربست بندهای شرکت ثمین پیمانکاری رضا راکی و پیمانکاری زمان پور
 - ۳- پایبینگ کاران پتروشیمی پارس عسلویه شرکت پناه صنعت پیمانکاری فرشیدباقرپور
 - ۴- پالایشگاه اصفهان شرکت جهاتپارس ۵- شرکت «ان جی ال» دشت عباس
 - ۶- پایبینگ کاران شرکت جهاتپارس سایت ۱ بوشهر
 - ۷- کارگران برق و ابزار دقیق شرکت اکسیر فاز ۱ پترو پالایش کنگان
 - ۸- صنایع شیمیایی اصفهان ۹- کارگران پروژه ای ده شیر یزد
 - ۱۰- پتروشیمی چاپهار رامپکو پیمانکاری تیمور پایمردی و سعیدی نژاد
 - ۱۱- جوشکار، فیتزر، داربست بند، مونتاژ کار شرکت طرح بازرسی جفیر پیمانکاری کیانی
 - ۱۲- کارگران «ای جی سی» دشت عباس
 - ۱۳- فیتزرکاران پتروشیمی سلمان فارسی ماهشهر پیمانکاری مرادی
 - ۱۴- جوشکاران فاز ۱۴ عسلویه ۱۵- کارگران پروژه ای اندیمشک
 - ۱۶- جوشکاران شرکت کوهساران بهبهان خط ۴۲ اینچ مارون ۲
 - ۱۷- پالایشگاه تهران پیمانکاری رحمت شمس
 - ۱۸- کارگران شرکت فولاد کوشان ۱۹- کارگران نیروگاه رودشور
 - ۲۰- داربست بندان پالایشگاه تهران پیمانکاری دادجو
 - ۲۱- داربست بندان پالایشگاه ادیش شرکت ستاره تاراز
 - ۲۲- شرکت نفت سپاهان اصفهان پیمانکاری فرزین مرادی
 - ۲۳- شرکت رگبی نفت سپاهان اصفهان
 - ۲۴- کارگران پیمانکاری پیروزی نفت آفتاب
 - ۲۵- رزین صنعت بندرجاسک پیمانکاری گلزاری
 - ۲۶- جوشکاران پتروشیمی اسلام آباد غرب شرکت استیم
 - ۲۷- جوشکاران و مونتاژکاران شرکت صدراي بندر جاسک
 - ۲۸- جوشکاران، فیتزر، داربست بندان اکسیر صنعت سایت مهستان
 - ۲۹- جوشکار، فیتزر، داربست بندان پتروشیمی آلایم
 - ۳۰- جوشکاران برق شرکت ابتکار نصب زاگرس
 - ۳۱- شرکت جهاتپارس پتروشیمی صدف در عسلویه
 - ۳۲- داربست بندان پتروشیمی سلمان فارسی ماهشهر
 - ۳۳- اپراتور های جرتفیل و رانندگان اکسیر پتروپالایش سایت ۱
 - ۳۴- شرکت فولاد صنعت اطلس آعاجاری (نم زدایی)
 - ۳۵- کارگران بختیاری نیروگاه باقرشهر تهران
 - ۳۶- جوشکاران برق ابتکار نصب زاگرس
 - ۳۷- سپید دانه گستر فولاد توسعه سیرجان
 - ۳۸- فیتزرهای درخشان شیمی سایت ۱ ماهشهر
 - ۳۹- جوشکاران شرکت استیم پتروشیمی کرمانشاه
 - ۴۰- کارگران پیمانکاری عزیزی پتروشیمی سلمان فارسی
 - ۴۱- نیروهای شرکت اکسیر فاز ۱۴ ۴۲- شرکت تکران قم پیمانکاری مهدوی
 - ۴۳- کارگران پیمانکاری محمد جواد رسن ۴۴- جوشکاران پتروشیمی دنا ساتراپ
 - ۴۵- شرکت کیان نصب پتروشیمی بوشهر سایت یک
 - ۴۷- شرکت شیمی گستر انشان - دشت عباس ۴۸- شرکت نوید بندر امام
 - ۴۹- دژگان صنعت بوشهر جزیره صدرا
 - ۵۰- برق و ابزار دقیق اکسیر صنعت پتروپالایش فاز ۱۴
 - ۵۱- میدان گازی هما پیمانکاری نجف پور شرکت انهار ۵۲- عمران ساحل
- ۵۲- بیش از ده هزار کارگر پارس ۱ و ۲ (عسلویه و کنگان)
 - ۵۳- داربست بندهای پتروشیمی نوری شرکت پتروکوهیار ایلام
 - ۵۴- شرکت های کیان سازه، ۵۵- پتروسازه تدبیر رویان ۱۹۰ نفر
 - ۵۶- شرکت ستاره پارزا و مبین ترک ۲۵۰ نفر ۵۷- ۶۰ نفر در پالایشگاه ۱۳
 - ۵۸- سایت ۱ پتروشیمی بوشهر ۳۵۰ نفر (گیلان میکا، کیان نصب، فراسکو)
 - ۵۹- پتروشیمی دالاهو ۳۵۰ نفر ۶۰- مجتمع فولاد کویر آران بیدگل
 - ۶۱- شرکت سرمست مکانیک هفتشجان ۶۲- شرکت NGS گل گهر سیرجان
 - ۶۳- داربست بندان دژپاد فولاد کویر کاشان ۶۴- شرکت های فولاد کوشان
 - ۶۵- جوشکار، فیتزر، داربست بندان پتروشیمی پارس سپاهان شهرضا
 - ۶۶- پتروشیمی کاویان شرکت پارس قدرت ۶۷- آزمون قلز،
 - ۶۸- داربست بندهای اکسیر صنعت پتروپالایش سایت 3
 - ۶۹- جهادگران سایت 1 پتروپالایش، ۷۰- سایت ۱ پتروشیمی شرکت کیان سازه،
 - ۷۱- شرکت راوین، پروژه سبزآب و اندیمشک
 - ۷۲- نگین تیان پارس پیمانکاری دهقان
 - ۷۳- باقی جوشکاران، برق و ابزار دقیق نیروگاه رودشور
 - ۷۴- بخشی از کارگران پتروشیمی کیمیا
 - ۷۵- شرکت رامگو اسکله چاپهار ۷۶- سایننا صنعت چاپهار
 - ۷۷- جوشکاران و فیتزرهای پتروشیمی ایران و ژاپن ماهشهر.
 - ۷۸- آذراب، ۷۹- زلال ایران، ۸۰- اکسیر صنعت ۸۱- ممتاز گستر،
 - ۸۲- مخازن سبز ۸۳- عمران ساحل، ۸۴- پتروسازه تدبیر رویان،
 - ۸۵- ستاره تاراز مبین، ۸۶- پالایشگاه فاز ۱۳ ۸۷- پیشگامان سیراف،
 - ۸۸- گیلان میکا ۸۹- کیان نصب فراسکو
 - ۹۰- کارگران قالب بند، داربست، نصاب تجهیزات، جوشکار، برق و ابزار دقیق نیروگاه سیکل ترکیب چادرملو اردکان ۹۱- بخشی از کارگران ماشین سازی ویژه
 - ۹۲- فروزان فراندیش از فولاد توسعه گل گهر سیرجان
 - ۹۳- رستاک پویا از توسعه فولاد سیرجان
 - ۹۴- جمعی از کارگران شرکت ODCC پالایشگاه نفت سپاهان
 - ۹۵- بخشی از کارگران پالایشگاه جنوبی اصفهان
 - ۹۶- اسکله شهید رجایی پیمانکاری نروزی ۹۷- جمعی از کارگران پتروشیمی آبادانا
 - ۹۸- کارگران پروژه ای پتروشیمی دماوند ۹۹- داربست بندان پارس قدرت چاپهار
 - ۱۰۰- پتروپالایش شرکت کیان سازه پیمانکاری شهرام کیانپور
 - ۱۰۱- شرکت آدیش در کنگان جنوبی ۱۰۲- کارگران طرح توسعه کنگان
 - ۱۰۳- کارگران راکتور سازی اهواز ۱۰۴- پتروشیمی هرمز
 - ۱۰۵- پتروشیمی بوشهر ۱۰۶- پتروشیمی صدف، فاز ۱۴ سایت ۱،
 - ۱۰۷- شرکت آمن پتروشیمی نوری ۱۰۸- شرکت الفین سایت ۱ بوشهر
 - ۱۰۹- بخشی از داربست بندان فاز ۱۴ شرکت پابندان ۱۱۰- معدن درالو کرمان
 - ۱۱۱- شرکت پارسیمان سازه ایرانیان از پتروشیمی کیان ۱۱۲- پتروشیمی آروین زنجا
 - ۱۱۳- جوشکاران، سنگ زن ها، داربست بندهای سایت مخازن ۹۷ و ۹۸
 - ۱۱۴- شرکت عتیق تجارت برادران نروزی ۱۱۵- نیروگاه سیکل ترکیبی ارومیه
 - ۱۱۶- شرکت پترو تکسان صنایع شیمیایی LAB ۱۱۷- کارخانه سیمان لردگان
 - ۱۱۸- شرکت آترویات قرارگاه خاتم در جفیر ۱۱۹- شرکت کیسون در بندرعباس
 - ۱۲۰- کارگران شرکت پیشرو جوش ایرانیان جنوب ۱۲۱- جمعی از کارگران پروژه ای پتروشیمی هنگام ۱۲۲- شرکت آبداراهان سازنده مخازن در عسلویه
 - ۱۲۳- بخشی از کارگران شرکت اساف مستقر در بین لامرد و مهر

بیانیه های اعتراضی به حکم وحشیانه اعدام علیه شریفه حمدی



از حق بی قید و شرط تشکل و تبلیغ و فعالیت سیاسی دفاع کنیم. با نامه های اعتراضی جمعی علیه این حکم جنایتارانه کیفرخواست دهیم. به نهادها و اتحادیه های کارگری و مدافع حقوق انسانی در سطح بین المللی نامه دهیم و خواستار زیر فشار قرار دادن حکومت منفور اسلامی و آزادی شریفه حمدی شویم. حکم وحشیانه اعدام برای شریفه حمدی باید لغو شود. او باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود

. کمپین برای آزادی کارگران زندانی - ۱۴ تیر ۱۴۰۳، ۴ زوئیه ۲۰۲۴
 (از مدیای اجتماعی Shahla.danesfar2@gmail.com)

محمدی، هرگونه شکنجه جسمی و روانی وی را نیز محکوم کرده و اعلام میدارد این حکم شنیع باید لغو و شریفه فوراً و بی قید و شرط آزاد شود.

تشکل انقلاب زنانه این حکم اعدام را یک زنگ خطر دانسته و از عموم مردم معترض به ویژه کارگران و فعالین کارگری می‌خواهد در برابر این حکم شنیع و ضدانسانی که به معنای قتل عمد حکومتی است، اعتراض و اعتصاب گسترده سازمان دهند و خواستار لغو حکم اعدام وی و آزادی فوری و بی قید و شرط او شوند. تشکل انقلاب زنانه از همه سازمانها و نهادهای بین المللی به ویژه کمیته حقیقت یاب می‌خواهد در برابر حکم اعدام شریفه حمدی که برای حق و حقوق ابتدایی خود و کارگران مطالبه‌گری کرده، سکوت نکرده و با جمهوری اسلامی برخورد جدی کنند و خواستار لغو حکم اعدام و آزادی او شوند.

تنها راه نجات ما مردم ایران، ما زنان، کودکان، کارگران، دانشجویان، دانش آموزان، رنگین کمانیها، آتیستها، معلمان، بازنشستگان، و حتی محیط زیست، سرنگونی رژیم اسلامی است که حتی در آستانه دومین دوره انتخابات هم ابایی از وحشت آفرینی و سرکوب و جنگ افروزی علیه مردم ایران ندارد. این حکومت را باید با سازماندهی و برگزاری اعتراضات خیابانی مستمر و اعتصابات گسترده علی الخصوص در مراکز کارگری بر بستر انقلاب زن زندگی آزادی، و با برپایی اعتراضات مستمر در سراسر دنیا و فشار روی دولتها برای "بایکوت جمهوری اسلامی" سرنگون کرد. این تنها راه پیش روی ماست. انقلاب زنانه

۱۴ تیر ۱۴۰۳ (برگرفته از مدیای اجماعی)

کمپین بری آزادی کارگران زندانی:

کارگر زندانی به اعدام محکوم شد

علیه این حکم ضد انسانی به اعتراض برخیزیم

بنا بر خبر منتشر شده در روز پنجشنبه ۱۴ تیر شریفه محمدی کارگر زندانی توسط شعبه اول دادگاه انقلاب رشت با اتهام "بغی" محاکمه و به اعدام محکوم شد. شریفه محمدی در چهاردهم آذرماه ۱۴۰۲ دستگیر شده و مدت چند ماهی در سلول انفرادی برای گرفتن اعتراض اجباری زیر شکنجه جسمی و روحی شدید قرار داشت. فشار بر روی شریفه محمدی به حدی بود که شاید به خاطر ترس از به خطر افتادن جان وی، گزارشها حاکی از اینست که برخی مسئولین زندان نسبت به شدت ضرب و شتم او اعتراض کردند. پس از اعتراض مسئولین زندان، به شکنجه شریفه، او امکان ثبت شکایت را پیدا کرد اکنون مشخص گردیده که در اینمدت او به شدت مورد شکنجه قرار گرفته است و تا مدت‌ها از ملاقات با خانواده‌ی خود، به ویژه فرزندش محروم بود و برایمدت طولانی اجازه تماس تلفنی با خانواده را نداشت.

هنگام بازداشت به شریفه اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" اعلام شد. اما این اتهام پس از مدتی به اتهام "بغی" که یک اتهام بسیار سنگین در قوانین جمهوری اسلامی است، تغییر یافت. مصادیق این اتهام "عضویت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری" قید شده است و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی این تشکل را وابسته به کومه‌له اعلام کرده‌اند و بر این اساس برای او حکم اعدام صادر کرده‌اند.

جان شریفه محمدی بطور جدی در خطر است. به نجات او بشتابیم. او به خاطر فعالیت در یک تشکل کارگری و دفاع از حقوق کارگران حکم اعدام گرفته است. صدای اعتراض او باشیم.

تشکل انقلاب زنانه: حکم اعدام شریفه محمدی محکوم است و باید فوراً لغو شود! شریفه محمدی آزاد باید گردد!

شریفه محمدی که به گفته یک منبع مطلع نزدیک به خانواده، تا سال ۱۳۹۲ عضو انجمن یک تشکل کارگری بوده، پیشتر در شعبه چهارم بازپرسی دادرسی رشت به ریاست بازپرس رجیبی از بابت اتهامات تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیتی ملی و بغی از طریق عضویت در یکی از گروه‌های اپوزیسیون مورد تفهیم اتهام قرار گرفته بود.

طبق گزارش این منبع، شریفه محمدی برای مدت طولانی تحت فشارهای جسمی و روانی شدید برای اخذ اعترافات علیه خود بود. او تا مدت‌ها از ملاقات با خانواده‌ی خود، به ویژه فرزند خردسالش، محروم بوده و برای مدت طولانی اجازه تماس تلفنی با خانواده‌اش را نداشت. فشارهای جسمی از جمله ضرب و شتم و فشار روانی از سوی نهادی اطلاعاتی-امنیتی چنان شدید بوده که از ترس به خطر افتادن جان شریفه، به اعتراض مسئولین زندان منجر شده. پیش از این در پنجم تیر امسال، مادر شریفه محمدی طی یک پیام ویدئویی از وضعیت دخترش ابراز نگرانی کرد و خواستار اطلاع‌رسانی درباره او شده بود. همسر شریفه محمدی نیز به دلیل پیگیری وضعیت او بازداشت شده بود و به تازگی آزاد شد.

انقلاب زنانه تأکید دارد، مطالبه‌گری، اعتراض و اعتصاب، عضویت در تشکلهای صنفی یا حزب سیاسی از حقوق ابتدایی هر شهروند قرن بیست و یکم است و جمهوری اسلامی حق ندارد بابت این حقوق ابتدایی پرونده سازی کرده و حکم زندان و اعدام صادر کند. بنابراین انقلاب زنانه ضمن محکومیت حکم اعدام شریفه

احکام قرون وسطایی بغی و اعدام، حکمی علیه انقلاب بزرگ #زن_زندگی_آزادی_است.

صدور حکم بغی و اعدام برای شریفه محمدی، فعال کارگری، حمله و تعرض حاکمان به سوی زنان، بازنشستگان، کارگران و همه مردم معترض می باشد. حکومتی که در برابر زنان مبارز و سرفراز انقلاب "زن زندگی آزادی" در خیابانها شکست خورده ناتوان ماند و همه طرح های رنگارنگ و لشگر کشی نیروهای نظامیش به خیابان به گل نشسته به شکست کشیده شد، چاره کار را در ادامه سرکوبها و صدور احکام قرون وسطایی می بیند.

حکومتی که در برابر اعتراضات خیابانی بازنشستگان، که صدای اعتراض کل جامعه می باشند، به زبونی افتاده است.

حکومتی که در برابر اتحاد و قدرت کارگران اعتصابی در مراکز نفتی و پتروشیمی به استیصال افتاده است، ناتوان و بی پاسخ مانده است.

حکومتی که مشروعیتش در برابر قدرت همدلی و اتحاد مردم در مضحکه انتخاباتشان به خطر افتاده است.

چنین حکومتی، با سناریو سازی و صدور حکم اعدام، برای زنی که تبعیض و نابرابری را برتائیده و از حقوق کارگران دفاع می کرده، نمی تواند برای خود فرصتی خرید تا زنان و کارگران و مردم معترض به جنایت، کشتار، فقر و تبعیض را به عقب براند.

جامعه ایران، بخصوص بعد از شروع اعتراضات به شیوه های مختلف به کلیت مناسبات سرکوبگر #نه_گفته و حاضر به تحمل وضعیت نکبت بار موجود نیست. چنین جامعه ای نمی خواهد که شاهد سرکوب هرچه عریان تر حاکمیت علیه زنان و همه اقشار جامعه باشد.

رشد روز افزون آمار اعدام و صدور احکام بغی به معنای استمرار موضع حکومت در برابر انقلاب مردم است.

مردم قبل و بعد از انقلاب مهسا با هرگونه قتل و احکام قرون وسطایی حکومتی مخالفت کرده و با کارزارهای #نه_به_اعدام حتی از درون زندان، فریاد مخالفت خود را با "اعدام تحت هر عنوان" بلندتر نموده اند.

هم اکنون جان شریفه محمدی که حکم اعدام را برایش صادر کردند و جان وریشه مرادی، پخشاش عزیز، نسیم غلامی سیمپاری که با حکم بغی روبرو هستند، در خطر می باشد.

ما زنان، کارگران، بازنشستگان، دانشجویان و معلمان و دادخواهان، پرستاران... که تنها سلاحمان در مبارزه با ظلم و بی عدالتی حاکم، اتحاد و همدلی می باشد، تشکل و تحزب را حق انسانها در قرن بیست و یک میدانیم.

ما احکام اعدام و بغی و هر گونه حکمی که منجر به مرگ و قطع عضو انسانها باشد را محکوم کرده و تا لغو این احکام از پای نخواهیم نشست.

از همه مردم معترض می خواهیم عکس و نام #شریفه_محمدی و ده ها زندانی دیگر که تنها به جرم حق طلبی جانیشان در خطر است، را در اعتراضات هر روزه خود فریاد زده و با هر شیوه ای که می توانیم برای نجات جان همه انسانهایی که زیر تیغ اعدام هستند، تلاش کنیم.

نسیم_غلامی_سیمپاری # حمیدرضا_سهل_آبادی # احسان_رواژزبان
 #امین_سنخونر #علی_هراتی_مختاری #حسین_محمدحسینی #حسین_اردستانی
 #امیر_شاهولایتی #وحید_بنی_عامریان #پویا_قبادی #محمد_تقوی #مجتبی_تقوی
 #بابک_علیپور #ابوالحسن_منتظر #اصغر_دانشفر با کیفر خواست اتهام بغی روبرو شده و مانند #شریفه_محمدی در خطر حکم اعدام هستند.

#زندانی_سیاسی_آزاد_باید_گردد

امضاها:
 انجمن برق و فلز کرمانشاه
 شورای بازنشستگان ایران
 شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
 شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)
 شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران
 ندای زنان ایران
 نهاد دادخواهان



#نه_به_اعدام
 #ایستاده_ایم_تا_پایان
 #زن_زندگی_آزادی

امضاها:

انجمن برق و فلز کرمانشاه

شورای بازنشستگان ایران

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران

ندای زنان ایران

نهاد دادخواهان

ما و "انتخاباتی" دیگر!!

انتخابات ریاست جمهوری با اعلام آرای که با مشاهدات میدانی از صندوقهای رای همخوانی نداشت به پایان رسید.

علیرغم همه تبلیغات، آمارسازیهها، به زور پای صندوقها بردن، دوقطبی سازیهها و تقلب ها بازهم تحریمیهها برنده این انتخابات شدند.

رئیس جمهور با اعلام برخورداری از ۲۵ درصد آرا به پاستور می رود تا ادامه دهنده سیاستهای کلان حکومت در حوزه سرکوب معیشت و آزادیها باشد. نه خط فقر از بین خواهد رفت و نه زنان به حق و حقوقی خواهند رسید و نه اینترنت و رسانه های جمعی آزاد خواهد شد که حتی وعده اش را هم از طرف کاندیداها نشنیدند. کارگران، بازنشستگان و معلمان ناچارند همچنان در خیابان و کارخانه با اعمال اراده مستقیم خود مطالبات شان را پیگیری و فقر و تبعیض را به مبارزه بطلبند تا سرانجام خط فقر شکسته شود و فساد و تبعیض های خشونت بار ساختاری در جدالی مستمر با مردم تسلیم گردند.

به تجربه ی چندین دهه، مردم را از این انتخابات نصیبی نخواهد بود.

ما همچنان ایستاده ایم و خیابان از آن ماست.

#ایستاده_ایم_تا_پایان

شورای بازنشستگان ایران-۱۶ تیر ماه ۱۴۰۳ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران:

اتهام بغی و صدور احکام اعدام برای زندانیان سیاسی؛ صدور

حکم اعدام برای #شریفه_محمدی

پس از ماهها حبس ناعادلانه و اعمال انواع شکنجه، پرونده‌سازی در غیاب دادرسی عادلانه، روز پنجشنبه دادگاه انقلاب رشت #شریفه_محمدی، فعال کارگری، را به اعدام محکوم نمود این حکم غیرانسانی برای منکوب کردن فعالان صنفی، مدنی و سیاسی است.

اتهام بغی و محاربه و مفسد فی الارض، اتهاماتی واهی است که دستگاه قضایی برای ایجاد رعب و وحشت از آن استفاده می‌کند به طوری که در طی ماه‌های گذشته دست کم ۱۵ زندانی سیاسی به نام‌های # نسیم_ غلامی_سیمیاری، # حمیدرضا_ سهل‌آبادی، # احسان_ رواززیان، # امین_ سخنور، # علی_ هراتی_مختاری، # حسین_ محمدحسینی، # حسین_ اردستانی، # امیر_ شاه‌ولایتی، # وحید_ بنی‌عامریان، # پویا_ قبادی، # محمد_ تقوی، #مجتبی_ تقوی، #بابک_علیپور، #ابوالحسن_منتظر، #اصغر_دانشفر با کیفرخواست اتهام بغی روبرو شده و مانند #شریفه_محمدی در خطر حکم اعدام هستند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، انتساب اتهام بغی و صدور حکم اعدام برای فعالان به خصوص شریفه محمدی را محکوم می‌کند. حکم اعدام یک حکم غیرانسانی و بی‌بازگشت است و باید روند صدور این احکام متوقف گردد. ما خواهان همبستگی جمعی برای توقف احکام اعدام هستیم.

#آزادی_شریفه

خبر: محکومیت یک فعال مدنی به اعدام

به گزارش خبرگزاری‌ها روز پنجشنبه ۱۴ تیرماه ۱۴۰۳ شعبه اول دادگاه انقلاب رشت «شریفه محمدی (فعال کارگری و مدنی محبوس در زندان لاکان را با اتهام «بغی» (محاکمه و به اعدام محکوم کرده است... دادگاه برای صدور حکم اعدام به ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی استناد کرده است. بر اساس این ماده: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.»

شریفه محمدی ۱۴ آذر سال ۱۴۰۲ بازداشت شد و چند ماه را در سلول انفرادی

اطلاعیه در مورد مرگ چهار زندانی در زندان شیپان اهواز حکومت جنایتکار و آدمکش اسلامی باید سرنگون شود

چهار زندانی در بند ۳ زندان شیپان اهواز به دلایل نامشخص جان خود را از دست داده اند. سازمان حقوق بشری کارون با انتشار این خبر گفته است که بنا به برخی گزارشات به این زندانیان داروهای اشتباهی داده شده است که منجر به مسمومیت و مرگ آنها شده است ولی این خبر هنوز تایید نشده است. علاوه بر این، ۱۵ زندانی دیگر به بیمارستانی خارج از زندان شیپان منتقل شده اند و هنوز اطلاعاتی دقیقی از وضعیت سلامتی آنها در دسترس نیست.

جمهوری اسلامی مسئول مرگ این زندانیان است و باید به مردم جوابگو باشد. مرگ این چهار زندانی و وضعیت سلامتی زندانیان دیگر در زندان شیپان اهواز خشم عمومی را برانگیخته و نگرانی‌های زیادی را در بین خانواده‌های زندانیان و فعالان حقوق بشر برانگیخته است. تاکید و خواست مردم اینست که در این مورد تحقیقات

مادر شریفه محمدی: هفت ماه است دخترم را گرفته‌اند و به من خبری از او نمی‌دهند



مادر شریفه محمدی می‌گوید: من مادر شریفه هستم. نزدیک به هفت ماه است که دخترم را گرفته‌اند و به من خبری از او نمی‌دهند. من چندین بار به رشت آمدم و از مسئولین زندان خواستم به من جوابی بدهند. به من بگویید گناه

دخترم شریفه چیست! آیا میخواهید همچنان او را در بازداشت نگه دارید؟ خانه و کاشانه و فرزند و همسر شریفه او را انتظار می‌کشند. فرزندش بلا تکلیف و چشم انتظار مانده، شغلش را از دست داده. فقط به من بگویید گناه شریفه چیست و به چه جرمی زندانی ست؟

گذراند. گزارش‌ها حاکی از شکنجه و فشارهای جسمی و روحی شدید او برای اخذ اعترافات اجباری است. همچنین این فعال کارگری و مدنی از حق ملاقات با خانواده و تماس تلفنی نیز محروم بوده است.

حکم اعدام محمدی در حالی صادر شده که در هفته‌های اخیر برخوردهای امنیتی و قضایی با فعالان کارگری، معلمان و بازنشستگان شدت یافته است.

کانون نویسندگان ایران

بیانیه مشترک چهار تشکل کارگری

به کجای این شب تیره بیاویزم قبای ژنده خود را...

صدور حکم اعدام علیه #شریفه_محمدی را محکوم می‌کنیم

چهار تشکل مستقل کارگری به اسامی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، کارگران بازنشسته خوزستان بیانیه ای در محکومیت حکم اعدام شریفه محمدی داده و در بخشی از آن چنین آمده است: «#همه وجدان‌های آگاه، همه انسان‌های آزادیخواه و همه کارگران و زحمتکش‌شان تفر خود را از صدور حکم اعدام بر علیه شریفه محمدی و هر آزادی‌خواه دیگر را محکوم کرده و برای آزادی فوری و بی قید و شرط این افراد که ظالمانه در زندان نگه داشته‌اند از هیچ کوششی دریغ نخواهند کرد. ۱۶ تیرماه ۱۴۰۳»

شفاف با حضور خانواده‌های زندانیان و نمایندگان از سازمانهای بین‌المللی صورت گیرد و امنیت جان زندانیان تضمین شود و مسئولین این جنایات در پیشگاه مردم جوابگو شوند. شرایط اسفبار زندانهای جمهوری اسلامی و قصور عامدانه در رسیدگی به وضعیت سلامتی و درمان زندانیان قطعاً دلیل این نوع مرگ‌هاست و مسئول آن حکومت منفور و جنایتکار اسلامی است که برای جان انسانها ارزشی قائل نیست. واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن ابراز تأسف از مرگ این زندانیان و ابراز نگرانی از وضعیت سلامتی ۱۵ زندانی دیگر، از خواست انجام تحقیقات شفاف با حضور نمایندگان از خانواده‌های زندانیان و سازمانهای بین‌المللی برای روشن شدن دلایل مرگ و به خطر افتادن سلامتی زندانیان قویا حمایت می‌کند. زندانهای جمهوری اسلامی به قتلگاه زندانیان تبدیل شده است و باید با اعتراضات وسیع حکومت اسلامی را زیر فشار قرار داد و جلوی این جنایات را گرفت.

واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری ایران- ۱۳ تیر ۱۴۰۳ - ۳ ژوئیه ۲۰۲۴



اتهام «بغی» علیه شریفه محمدی در زندان لاکان رشت

است و وجاهت حقوقی ندارد. این احکام مذهبی بهانه ای برای ازبین بردن و قتل عمد حکومتی است. جامعه و افکار عمومی علیه آن میایستد.

حکم اعدام شریفه، اعلام جنگی دیگر علیه تمامی فعالان کارگری، مدنی و سیاسی است. علیه این حکم باید ایستاد و بشدت محکوم کرد. #زندانی_سیاسی_آزاد_باید_گردد

کمپین دفاع از شریفه محمدی:

صدر حکم اعدام علیه خانم محمدی «اعلام جنگ و صدور حکم مرگ علیه همه فعالین اجتماعی و مدنی» است، خواستار لغو این حکم و آزادی بی قید و شرط او شد.

کمپین دفاع از شریفه محمدی روز پنجشنبه ۱۴ تیر، اعلام کرد که شریفه محمدی، فعال کارگری زندانی در زندان لاکان رشت، در «یک رای قرون وسطایی و جنایت کارانه» از سوی دادگاه انقلاب اسلامی این شهر، به اعدام محکوم شده است.

الجاندر اورتگا فونتنس، مسئول کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسپانی:

«کمیسسیون های کارگران اسپانیا» در بخش کشورهای عربی، آفریقا، آسیا و همچنین در سازمان جهانی کار اعلام نمود: «شریفه محمدی، فعال ایرانی، در ۴ جولای به بهانه فعالیت کارگری در تشکل های مستقل، به شورش (بغی) متهم و به مجازات اعدام محکوم شده است. این حکم ظالمانه باید فوری لغو گردد.»

فرهاد میثمی، فعال مدنی، پزشک و زندانی سیاسی سابق

«اگر خواستید شریفه محمدی را اعدام کنید، دو تا قبر بکنید!

خواندم که شریفه محمدی، فعال کارگری محبوس در زندان لاکان رشت را به اعدام محکوم کرده‌اید. امید به آن می‌بندم که در مرحله تجدیدنظر، غلبه ی نگرش عقلانی موجب شکسته شدن این ظلم قرون وسطایی شود.

در صورت غلبه ی این رویکرد فاجعه بار بر عقلانیت حقوقی، و اصرار بر تایید حکم اعدام، به ناچار مقابل دادگاه انقلاب رشت به اعتصاب غذا (و نه امساک از غذا) خواهم نشست، به درخواست بازگشتن از حکم ظالمانه ای که موجب وهن این تمدن سترگ است و برای همگان خسارت بار. اگر گوشی برای شنیدن تظلم خواهی نبود و هم چنان اصرار بر اعدام شریفه محمدی داشتید، دو تا قبر بکنید! ۱۴ تیر

اتحاد بازنشستگان:

در اعتراض به صدور حکم اعدام شریفه محمدی

هیچ اعدامی مشروع نیست و هیچ «جرمی» (به صدور حکم اعدام برای هیچ کس مشروعیت نمی بخشد. اعدام قتلی فجیع از سوی قدرت دولتی و مرده ریگ شوم بربریت است.

صدر حکم اعدام برای شریفه محمدی فقط و فقط نشان عجز و هراس آفرینی رژیم سرکوب و شکنجه و مرگ است.

#شریفه_محمدی_#نه_به_اعدام

#نه_به_شکنجه

سناریو سازی برای کارگر بازداشت شده شریفه محمدی و اتهام علیه او را بشدت محکوم میکنیم. «بغی» واهی

شریفه محمدی فعال کارگری رشت با اتهام کاملاً واهی «بغی» مواجه شده است. در کذب محض و شرم آور بودن این اتهام شکی نیست. یک فعال کارگری و مدنی مستقل و شناخته شده را بدون کوچکترین وقاحتی با اتهام سنگینی روبرو کرده اند که خودشان هم میدانند از ذره ای حقیقت برخوردار نیست.

شریفه محمدی در تاریخ ۱۴ آذر ۱۴۰۲ دستگیر شد و به مدت چند ماه در سلول انفرادی نگه داشته شد. طبق گزارشات موجود از جمله منتشر شده در کانال کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، بدنبال بازداشت، شریفه محمدی برای مدت طولانی تحت فشارهای جسمی و روانی شدید برای اخذ اعترافات علیه خود بود. او تا مدتها از ملاقات با خانواده ی خود، به ویژه فرزند خردسالش، محروم بوده و برای مدت طولانی اجازه ی تماس تلفنی با خانواده را نداشته است. از دیگر سو فشارهای جسمی و بدرفتاری های مکرر با شریفه از سوی وزارت اطلاعات به حدی بود که شاید به خاطر ترس از به خطر افتادن جان شریفه منجر به اعتراض مسئولین زندان نسبت به ضرب و شتم او شد. پس از اعتراض مسئولین زندان به شکنجه شریفه، او امکان ثبت شکایت را پیدا کرد. اکنون مشخص گردیده که شریفه محمدی در این مدت حداقل دو بار به شدت مورد شکنجه قرار گرفته است. سندیکای کارگران شرکت واحد اذیت و آزار و سناریوسازیهای کذابی که بارها علیه اعضای سندیکا نیز با عنوانهای مختلف بکار برده شده است را بشدت محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگر زندانی شریفه محمدی می باشد.

شریفه محمدی، کارگر زندانی، آزاد باید گردد!

#نه_به_سناریوسازی_چاره کارگران وحدت و تشکیلات است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه-۱۲ تیر ۱۴۰۳

بیانیه #ریحانه_انصاری نژاد فعال کارگری از زندان اوین در ارتباط با

حکم ظالمانه ی اعدام #شریفه_محمدی جرم شریفه محمدی کارگر بودن و سالم زیستن است

صدر حکم اعدام برای شریفه محمدی، فعال کارگری، توسط بی دادگاهی در رشت در آستانه ی انتخابات ریاست جمهوری پیامی روشن برای کارگران، زنان، فعالان اجتماعی و همه ی مردم دارد؛ مهم نیست که نام چه فردی را به عنوان رئیس جمهور از صندوق شان بیرون کشیده اند، رویه همان رویه ی چهل و شش ساله ی جمهوری اسلامی است، یعنی دفاع از منافع سرمایه داران و سرکوب بی امان کارگران! شریفه یک زن و یک مادر است و این حکم پیامی مستقیم به همه ی زنان و مادرانی است که در صف اول اعتراضات اجتماعی ایستاده اند.

شورای بازنشستگان ایران:

شریفه_محمدی را ابتدا به اتهام غیرحقوقی و من درآوردی بغی و بعد هم به اعدام محکوم کردند.

مصادیق؟! عضویت او در «کمیته ی هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری» که وزرات اطلاعات آن را وابسته به کومله خوانده.

گرچه هر دوی این تشکل ها ارتباط شریفه را با خود تکذیب کرده اند و این اتهام پوچ است، اما حتی در صورت وجود چنین ارتباطی؛ فعالیت سازمانی و حزبی حق هر شهروندی است و احکام قرون وسطایی مذهبی از جمله «بغی» در دنیای امروز باطل